



دانشگاه باقر العلوم (ع)
(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

دانشکده: علوم سیاسی، تاریخ و علوم اجتماعی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: اندیشه سیاسی در اسلام

عنوان:

تفسیر سیاسی قرآن از دیدگاه

حضرت امام خمینی (ره)

استاد راهنما:

دکتر غلامرضا بهروزی لک

استاد مشاور:

دکتر نجف لکزایی

نگارش:

محمدباقر نقوی

1394



Bagher Al-Olum University

Faculty of Political, social and historical Sciences

Thesis for Degree Of Master Of Science

Course: Political Thought in Islam

Title:

***Political interpretation of the Qur'an
From the viewpoint of Imam Khomeini (RA)***

Supervisor:

Dr. Gh. Behroozilak

Advisor:

Dr. N. Lakzaei

By:

MohammadbagherNaqavi

2015

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به

مخدروند...

تقدیم به خودت که همیشه تنها بودی. تقدیم به لطف بی‌پایانت که پدرانه دستم را گرفتی و تواناییم دادی تا روزه‌ای از حقیقت وجودت را به روی خودم و همه چشمان خالی-که هیچگاه نخواستیم از پس باران شیرینت و از دل لبخند زیبای گل‌های وحشی تو را بیابیم- باز کنم. شاید که رستگار شویم...

تقدیم به روشنترین آیات الهی پدر و مادر مهربان و خواهران و برادرانم به آنان که نفس خیرشان و دعای روح پرورشان بدرقه‌ی راهم بود.

و تقدیم به همسر دلسوز و فداکارم که ساحل چشمانش خلوتگه امن شکفتن غنچه خنده‌ها و گریه‌های عاشقانه من است.

پروردگارا حسن عاقبت، سلامت و سعادت را برای آنان مقدر فرما.

الهی آمین

سپاس و امتنان

بدون شک به نتیجه رسیدن این اثر مدیون راهنمایی، همکاری و همدلی اساتیدی است که بدون تلاش آنها شاکله این پژوهش شکل نمی‌گرفت. بدین جهت از همه آنها مخصوصاً از راهنمایی‌ها و زحمات حجت‌الاسلام والمسلمین استاد فرزانه دکتر غلامرضا بهروزی‌لک و فاضل گرانقدر حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر نجف لکزایی که این پژوهش را راهنمایی و مشاوره کردند از باب -من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق- تشکر و قدردانی می‌کنم. همچنین از اساتید گروه علوم سیاسی خاصه اساتید محترم دکتر سیدمحمدتقی آل‌غفور و دکتر شریف لکزایی به خاطر مزاحمت‌های زیادی که برایشان داشتم و از همه دست‌اندر کاران دانشگاه باقرالعلوم (ع) قدردانی می‌نمایم.

چکیده

رجوع به قرآن و استخراج برنامه‌های فردی و اجتماعی از آیات الهی همواره یکی از دغدغه‌های مهم علماء و اندیشمندان جهان اسلام بوده و با توجه به همین رویکرد اساسی در دهه‌های اخیر تفسیر سیاسی قرآن توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب کرده است. بنابراین تفسیر سیاسی قرآن مسیری برای فهم هر چه بهتر و بیشتر قرآن و ورود آموزه‌های الهی به متن جامعه به منظور تعالی بشریت می‌باشد. امام خمینی(ره) برجسته‌ترین عالم و اندیشمندی است که توانسته با برگرداندن مشکلات و سوالات اساسی پیش روی جامعه اسلامی به قرآن کریم ضمن مرجعیت بخشیدن به آیات الهی و یافتن پاسخ‌های مناسب برای مشکلات بشریت، حرکت انقلابی خویش را نیز مستند به آموزه‌های الهی کند. یکی از عرصه‌های مهم نگرش و دیدگاه امام خمینی(ره) که تأثیر قابل توجهی در رفتار سیاسی ایشان داشته، توجه به مباحث قرآنی و تفسیر سیاسی مختص به ایشان می‌باشد که در نوع خود بی‌نظیر است. البته استخراج مسائل و سوالات مربوط به سیاست و طرح آنها در قالب تفسیر سیاسی امام خمینی(ره) پژوهشی جدید به شمار می‌رود و اعتقاد ما بر این است که با گردآوری نکات تفسیری سیاسی در بیانات و آثار مختلف امام خمینی(ره) می‌توان تفسیر سیاسی ایشان را بازسازی و تدوین نمود. بنابراین با این سوال بسیار مهم رو برو می‌شویم که امام خمینی(ره) در تفسیری که از قرآن ارائه داده‌اند چگونه مباحث سیاسی قرآنی را مطرح کرده‌اند؟(سوال). بدون شک کشف مباحث علوم سیاسی از قرآن کریم در تفسیر سیاسی امام خمینی(ره) امکان پذیر است(فرضیه). البته این امر منوط است به عرضه سؤالات به تفسیر سیاسی امام خمینی(ره) و استخراج پاسخ مناسب(روش)، با هدف به تصویر کشیدن مرجعیت علمی قرآن کریم(هدف).

واژگان کلیدی: تفسیر، تفسیر سیاسی، امام خمینی، تفسیر سیاسی امام خمینی(ره).

Abstract:

See verses of the Quran and extract personal and social programs, always has been one of the major concerns of scholars and thinkers of the Muslim world; and according to this basic approach, political commentary of the Qur'an in recent decades has attracted the attention of many thinkers. So the political interpretation of the Qur'an is path to understanding better and more of the Qur'an, and entering divine teachings into society for uplift humanity. Imam Khomeini is the most prominent scholar and thinker who has managed to turn the problems and fundamental questions facing the Muslim community in the Holy Quran; while he rely on divine verses and finding answers to problems of humanity, also his revolutionary movement is valid to the divine teachings. One of the most important areas for attitude and viewpoint of Imam Khomeini (RA) who have had a significant influence on their political behavior, is attention to the Qur'anic discourse and political commentary is dedicated to them, which is unique in its kind. Of course extraction of issues and questions related to politics, and suggestive them into the political interpretation of Imam Khomeini (RA) is a new research. We believe that by gathering political commentary points in the expression and various works of Imam Khomeini, could rebuild and formulated his political commentary. So we are faced with this very important question: Imam Khomeini (RA) in his interpretation of the Qur'an, how have raised the political debates of the Quran? (Question). Without a doubt, exploring issues of political science of the Holy Quran in Imam Khomeini's (RA) political commentary, is possible (hypotheses). Of course, this is depends to submit questions to political interpretation of Imam Khomeini (RA) and extract the appropriate response (method), aiming to portray the scientific authority of the Holy Quran (goal).

Key words:

Interpretation, political commentary, Imam Khomeini, political commentary of Imam Khomeini.

فهرست پایان نامه

1	کلیات و مفاهیم.....
1	1- بیان مسأله
2	2- اهمیت و فایده تحقیق
3	3- سابقه و پیشینه تحقیق
4	4- اهداف تحقیق
4	5- سوالات تحقیق
5	6- فرضیه تحقیق
5	7- پیش فرض های تحقیق
5	8- سازماندهی تحقیق
7	مقدمه
7	تعریف سیاست
8	علم سیاست
8	فن سیاست
9	علم سیاست در معنای عام و خاص
10	سیاست نزد اندیشمندان جهان
14	تعریف سیاست در نگاه امام خمینی(ره)
15	تعریف تفسیر
15	در لغت
15	در اصطلاح
16	تعریف تفسیر از نگاه امام خمینی(ره)
17	اقسام تفسیر
19	تفسیر سیاسی

- 21.....گونه شناسی تفسیر سیاسی
- 25.....امام خمینی(ره) و تفسیر سیاسی قرآن کریم
- 30.....روش تفسیری امام خمینی(ره) در قرآن کریم
- 31.....منابع استخراج تفسیر سیاسی قرآن کریم از منظر امام خمینی(ره)
- 31.....الگوی تحلیلی پایان نامه استخراج دیدگاه‌های تفسیر سیاسی امام خمینی(ره)
- 32.....نتیجه گیری
- Error! Bookmark not defined. اصول و بنیادهای سیاست در قرآن کریم از منظر امام خمینی (ره)
- Error! Bookmark not defined. مقدمه
- Error! Bookmark not defined. پیوند دین و سیاست
- Error! Bookmark not defined. پیوند دین با سیاست و حکومت در تفسیر سیاسی امام خمینی(ره)
- Error! Bookmark not defined. مشروعیت سیاسی در قرآن
- Error! Bookmark not defined. تعریف و مبنای مشروعیت نظام‌های سیاسی
- Error! Bookmark not defined. مشروعیت در قرآن و در تفسیر سیاسی امام خمینی(ره)
- Error! Bookmark not defined. حاکمیت الهی و حاکمیت طاغوت
- Error! Bookmark not defined. حکومت انبیاء
- Error! Bookmark not defined. حکومت صالحان
- Error! Bookmark not defined. حکومت ظالمان
- Error! Bookmark not defined. حاکمیت الهی و حاکمیت طاغوت در تفسیر سیاسی امام خمینی(ره)
- Error! Bookmark not defined. حکم و حاکم در قرآن
- Error! Bookmark not defined. ربوبیت و حاکمیت الهی
- Error! Bookmark not defined. ملک و حاکمیت الهی
- Error! Bookmark not defined. واژه «امر» و حاکمیت الهی
- Error! Bookmark not defined. ولایت و حاکمیت الهی

Error! Bookmark not defined..... نتیجه گیری

Error! Bookmark not defined..... نظام سیاسی در قرآن در تفسیر سیاسی امام خمینی(ره)

Error! Bookmark not defined..... مقدمه

Error! Bookmark not defined..... معنی نظام

Error! Bookmark not defined..... معنی نظام سیاسی

Error! Bookmark not defined..... نظام سیاسی در اسلام

Error! Bookmark not defined..... شرایط و اهداف برپایی نظام سیاسی اسلامی در تفسیر سیاسی امام خمینی(ره) defined.

Error! Bookmark not defined..... شرایط زمامدار در نظام سیاسی اسلامی در تفسیر سیاسی امام خمینی(ره) defined.

Error! Bookmark not defined..... گونه شناسی نظام‌های سیاسی در قرآن(نظام‌های حق و باطل)

Error! Bookmark not defined..... مصادیق نظام‌های سیاسی حق محور

Error! Bookmark not defined..... وظایف و کارکردهای نظام سیاسی حق محور

Error! Bookmark not defined..... نقش و وظایف مردم در نظام سیاسی حق محور

Error! Bookmark not defined..... مصادیق نظام‌های سیاسی باطل

Error! Bookmark not defined..... ویژگی‌های عملکردی نظام‌های باطل

Error! Bookmark not defined..... نقش و وظایف مردم در نظام سیاسی باطل محور

Error! Bookmark not defined..... نتیجه گیری

Error! Bookmark not defined..... روابط خارجی دولت اسلامی در تفسیر سیاسی امام خمینی(ره) defined.

Error! Bookmark not defined..... مقدمه

Error! Bookmark not defined..... اصول سیاست خارجی دولت اسلامی در قرآن

Error! Bookmark not defined..... مفهوم‌شناسی سیاست خارجی

Error! Bookmark not defined..... عزت به عنوان اصلی مهم در سیاست داخلی و خارجی

Error! Bookmark not defined..... عزت و ذلت در نگاه تفسیری امام خمینی(ره)

Error! Bookmark not defined...... دیپلماسی و آداب سیاسی در قرآن

Error! Bookmark not defined...... جنگ و صلح در قرآن

Error! Bookmark not defined...... نتیجه گیری

Error! Bookmark not defined...... منابع و مآخذ

فصل اول:

کلیات و مفاهیم

کلیات

1- بیان مسأله

از زمانی که قرآن کریم به عنوان معجزه آخرین پیامبر اسلام(ص) در برابر بشریت نمایان شد و با بیان مهمترین نیازهای وی خود را کامل‌ترین و روشن‌ترین برنامه زندگی انسان در همه ابعاد زندگیش معرفی کرد، یکی از والاترین دغدغه‌های معتقدین به این کتاب آسمانی استخراج این برنامه‌ها از دل آیات الهی بوده است. بدین سان با مراجعه بشر به این کتاب مقدس و مطالبه برنامه زندگیش، علم تفسیر قرآن پایه‌گذاری شد و علما به دنبال تفسیر آیات الهی و بیان منظور و مقصود خداوند و سبب و شأن نزول آیات در این کتاب عظیم بودند. بنابراین در دنیای اسلام از قرآن کریم تفاسیر متعددی بر اساس نوع نگرش و مبانی مفسران اسلامی ارائه گردیده و هر کدام از آنها به نوعی در نوبه خود چراغهایی در این مسیر پر تلاطم روشن کرده‌اند. عده‌ای از تفاسیر با نگاهی ادبی، عده‌ای با رویکردی عرفانی، عده‌ای با توجه به سنت و... بوده‌اند که در این زمینه‌ها زحمات فراوانی از سوی علماء و اندیشمندان اسلامی بر دوش کشیده شده است. اما آنچه که در رابطه با تفسیر قرآن در خلأ بوده و متأسفانه یا مورد غفلت واقع شده و یا از سوی علماء با توجه به شرایط حاکم بر زمانشان کمتر مورد توجه قرار گرفته است، ارائه تفسیری سیاسی-اجتماعی از قرآن کریم است؛ به نوعی که حلال مشکلات سیاسی-اجتماعی پیش روی جامعه مسلمین باشد. این مسأله متأسفانه تا آنجا پیش رفته است که عده‌ای اساساً قرآن را برنامه‌ای فردی-اخلاقی معرفی کرده و مسیر سکولار بودن را در پیش گرفته‌اند. البته ناگفته نماند که بعضی از علماء و اندیشمندان، مانند علامه طباطبایی(ره) موضوعات سیاسی را از قرآن برداشت کرده و در لابه لای تفاسیر خود بیان کرده‌اند ولی تفاسیر آنان تفسیر مستقلی به نام تفسیر سیاسی آنگونه که مد نظر ما باشد نیستند و به طور کلی در حد پیام‌های سیاسی اکتفا کرده‌اند. اما در این میان کسانی از بزرگان نیز بوده‌اند که با نگاهی زیبا و درکی عمیق به قرآن نگرسته و با تفسیری که از این کتاب مقدس ارائه داده‌اند باعث تحولی بس عظیم در جامعه مسلمین و بلکه در تمام جهان شده‌اند. یکی از این علما و بزرگان جهان اسلام حضرت امام خمینی(ره) رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی بوده‌اند که تمام زندگی با برکت خویش را در مسیر قرآن صرف و بذل نموده‌اند، به طوری که این امر برای همه نمایان است. ایشان حرکت انقلابی خود را با پشتوانه قرآن کریم به انجام رساندند و در این مسیر با توجه به تفاسیری سیاسی که از آیات الهی ارائه دادند به این حرکت عظیم

مشروعیتی الهی بخشیدند. در این تحقیق تلاش بر این است که بعد از معرفی روش و نوع نگاه تفسیری امام خمینی(ره) به بیان تفسیر سیاسی ایشان بپردازیم.

2- اهمیت و فایده تحقیق

در امروزین لحظاتی که بر بشر می‌گذرد، مهمترین چیزی که ذهن وی را مشغول کرده، داشتن برنامه‌ای جامع و کامل برای تنظیم زندگی دنیوی و اخروی خویش است به طوری که اطمینان پیدا کند که با اجرای آن برنامه به سعادت هر دو دنیا خواهد رسید. در این میان با توجه به ادعای جامعیت قرآن که در بین مسلمانان مطرح است و با وجود اعتقاد به ارائه برنامه‌های علمی و عملی بهتر و برتر از سوی قرآن کریم، بنابراین در صورت به اثبات رساندن این ادعا و استخراج برنامه‌ای جامع از این کتاب آسمانی و معرفی به جامعه بشری به طور حتم دل‌های زنده، آگاه و بی‌آلایش این برنامه‌ها را پذیرا خواهند بود.

بنابراین تفسیر سیاسی قرآن، امروزه در زمره مهمترین مسائل مطرح شده در تفسیر قرآن قرار می‌گیرد؛ مخصوصاً در سال‌های اخیر که این بحث معرکه‌ی آرای بسیاری از اندیشمندان بوده است. برخی از اساس با بحث تفسیر سیاسی مخالف هستند و آن را امری غیر ممکن می‌دانند. اما عده‌ای از اندیشمندان و علماء- عمدتاً معاصرین- بر امکان چنین رویکرد تفسیری از قرآن اصرار کرده و آن را جزء علوم می‌دانند که مورد غفلت واقع شده است.

نگارنده به دلیل دغدغه‌های ذهنی و علاقه وافر به بحث تفسیر سیاسی قرآن و استخراج مسائل پیش روی دنیای امروز از این کتاب آسمانی، مبادرت به این بحث کرده و با پذیرش امکان ارائه تفسیری سیاسی از قرآن در پی استخراج چنین تفسیری از آثار امام خمینی(ره) بوده تا در قالب تفسیر سیاسی امام خمینی(ره) به محافل علمی تقدیم کند.

ضرورت و اهمیت چنین تحقیقی بر همگان روشن و واضح است؛ زیرا با ارائه تفسیر سیاسی امام خمینی(ره) ضمن مستند کردن حرکت انقلابی ایشان به قرآن، هدف و مسیر نظام اسلامی را بر اساس مبانی قرآنی دانسته و رهنمودهای این کتاب مقدس را سرلوحه کار و تلاش مسئولین نظام قرار می‌دهد.

3- سابقه و پیشینه تحقیق

مساله تفسیر موضوعی سیاسی از دهه‌های گذشته در دنیای اسلام خصوصاً در مذهب شیعی آغاز شده و رد پایی از خود بر جای گذاشته است ولی در ایران با پیروزی انقلاب اسلامی-به زعامت عالمی که حرکت علمی و انقلابی خود را با ارجاع موضوعات به قرآن کریم و برداشت چنین تفسیری از این کتاب الهی پیش می‌برد- به زودی تبدیل به یکی از دغدغه‌های مهم در انقلاب اسلامی شد. از آثاری که از امام خمینی(ره) بر

جای مانده است این رویکرد تفسیری به وضوح به چشم می خورد. البته ناگفته نماند که درباره موضوع مورد بحث منبع مستقلی که اشاره مستقیم به تفسیر سیاسی امام(ره) داشته باشد در دست نیست و در این زمینه تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است و از این منظر موضوعی اکتشافی بوده و تحقیقی جدید به حساب می آید.

همچنین ذکر این نکته نیز ضروری است که امام خمینی(ره) بحث تفسیر سیاسی را به کار نبرده اند اما با بررسی آثار ایشان می توان نظر ایشان را راجع به این موضوع استخراج کرد. از این جهت این نوشتار از زاویه جدیدی به مباحث این عالم فرزانه خواهد پرداخت تا با استفاده از سخنان ایشان در کتابها و سخنرانی های مختلف نظر ایشان را در این زمینه تبیین نماید. البته مجموعه ای گرانقدری به نام «تفسیر قرآن برگرفته از آثار امام خمینی(ره)» به قلم آقای سیدمحمدعلی ایازی منتشر شده است که با موضوع این رساله ارتباط نزدیکی دارد.

4- اهداف تحقیق

با توجه به علاقه فراوان به یافتن جواب بسیاری از سوالات و مشکلات سیاسی عصر حاضر از لابلای تفسیری که امام(ره) ارائه داده اند و همچنین خلأ پژوهشی مستقل درباره این مسئله ما را برآن داشت که در حد توان خویش به این مسئله پرداخته و در ضمن معرفی تلاش اندیشمندان دینی در زمینه تفسیر سیاسی به محققان ارجمند، با استخراج تفسیری سیاسی از آثار امام خمینی(ره) و ارائه آن به جامعه علمی، لحظات خود را صرف هموار کردن این مسیر الهی نمائیم.

5- سوالات تحقیق

سوال اصلی:

- تفسیر سیاسی قرآن از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) چیست؟

سوالات فرعی:

1. مراد از تفسیر سیاسی چیست؟
2. اصول و بنیادهای سیاست در قرآن کریم از منظر امام خمینی ره چیست؟
3. شاخصها و ویژگیهای نظامهای سیاسی از منظر قرآن کریم بر اساس تفسیر سیاسی امام خمینی ره چیست؟
4. سیاست خارجی دولت اسلامی و مسائل جهانی در قرآن کریم بر اساس تفسیر سیاسی امام خمینی ره چیست؟

6- فرضیه تحقیق

با توجه به اکتشافی بودن تحقیق حاضر نیازی به فرضیه در ابتدای پژوهش نیست.

7- پیش فرض‌های تحقیق

- بخش مهمی از اندیشه سیاسی امام خمینی ره در تفسیر سیاسی قرآن کریم، ارائه شده است.
- امام خمینی ره هر چند مستقلاً به تدوین تفسیر قرآن کریم پرداخته‌اند، اما در بیانات و آثار مختلف خویش به تفسیر سیاسی آیات قرآن پرداخته‌اند.
- با گردآوری نکات تفسیری سیاسی در بیانات و آثار مختلف امام خمینی(ره) می‌توان تفسیر سیاسی امام خمینی(ره) را بازسازی و تدوین نمود.

8- سازماندهی تحقیق

سازماندهی این رساله از یک مقدمه، چهار فصل و نتیجه‌گیری تشکیل شده است:

در فصل نخست رساله پس از بیان مقدمه به تعریف سیاست پرداخته و منظور خود از سیاست در این رساله را تبیین نموده‌ایم. همچنین پس از تعریف سیاست به تبیین معنای تفسیر پرداخته سپس اقسام تفسیر را بیان کرده‌ایم و بعد از آن با تعریف تفسیر سیاسی، آن را از جمله تفاسیر موضوعی دانسته‌ایم. پس از بیان این مطالب دقت خود را متمرکز بر بیان آثار تفسیری امام خمینی(ره) نموده و در ادامه نیز روش تفسیری ایشان را با طرح دیدگاه‌های امام(ره) درباره منابع تفسیری، مطالبی را که دیگران در رابطه با تفسیر ایشان نوشته‌اند را ذکر کرده‌ایم. در پایان نیز الگوی تحلیلی پایان‌نامه را مطرح کرده‌ایم.

در فصل دوم رساله تلاش بر این است که رابطه دین و سیاست را در تفسیر امام(ره) جستجو کنیم. بدین منظور با این سوال پیش رفته‌ایم که آیا در نگاه امام می‌شود از قرآن و دیگر متون دینی سیاست و امور حکومتی را استخراج کرد یا نه؟ بنابراین با توضیحی مختصر در این باره نظرات ایشان را بیان کرده‌ایم. پس از بیان رابطه دین و سیاست، مشروعیت سیاسی را در آثار تفسیری امام(ره) دنبال کرده و نظرات ایشان را مطرح نموده‌ایم. همچنین حاکمیت الهی و حاکمیت طاغوت یکی از مسائلی بود که به دنبال استخراج آن از آثار تفسیری امام(ره) بوده‌ایم.

در فصل سوم تلاش بر این بوده است که نظام‌های سیاسی حق و باطل در قرآن را در تفسیر امام(ره) بررسی کرده و در ضمن گونه‌شناسی این نظام‌ها، نظرات تفسیری ایشان را در رابطه با اصول حاکم بر هر کدام از این نظام‌های سیاسی، وظایف و کارکردها، ویژگی‌های عملکردی این نوع نظام‌ها را ذکر کنیم. در پایان نیز آسیب‌شناسی هر کدام از این نظام‌های سیاسی مد نظر ما بوده است.

فصل چهارم این رساله اختصاص پیدا کرده به بیان روابط خارجی دولت اسلامی در تفسیر سیاسی امام خمینی(ره). بنابراین در این فصل سه عنوان اصول سیاست خارجی دولت اسلامی در قرآن، دیپلماسی و آداب سیاسی و جنگ و صلح در قرآن مطرح شده است.

در نتیجه گیری به توضیح دست آوردهای علمی رساله می پردازیم.

مفاهیم

مقدمه

تفسیر سیاسی قرآن مسیری است برای فهم هر چه بهتر و بیشتر قرآن و ورود آموزه‌های الهی به متن جامعه به منظور تعالی بشریت که البته دستیابی به این مهم همواره دغدغه بسیاری از علماء بوده است. در این دوره از تاریخ زندگی بشری که همه به مادیات رو آورده و از آموزه‌های الهی روی گردان شده‌اند بدون شک استخراج و ارائه مسائل روز جامعه از دل آیات الهی می‌تواند بر بازگشت بشر به سمت آفریدگار کمک فراوانی کند. به همین منظور قدم در مسیر این تحقیق گذاشته و امیدواریم تا با بیان تفسیر سیاسی قرآن از دیدگاه امام(ره) باری از دوش جامعه برداریم. بنابراین یکی از مسائل مهم در این رابطه تعریف، تبیین و توضیح مفاهیمی است که لاجرم در لابه لای این تحقیق با آن‌ها برخورد خواهیم کرد زیرا بدون به دست دادن تعریفی دقیق از مفاهیم، خارج شدن از ابهامات موجود امکان پذیر نیست. از جمله این مفاهیم می‌توان به: سیاست، تفسیر، تفسیر سیاسی و... اشاره کرد.

تعریف سیاست

در لغت

واژه سیاست در فارسی از «ساس» به معنی «ساس القوم»: دَبْرَهُمْ وَتَوَلَّى امْرَهُمْ^۱؛ یعنی قوم را سیادت کرد و امورشان را تدبیر کرد و متولی آنان شد، آمده است. البته در فارسی برای این واژه معانی گوناگونی ذکر شده از جمله: حکم راندن، ریاست کردن، اداره کردن، تدبیر کردن، عدالت، داوری، تنبیه، جزا، شکنجه، نگاه داری، و حراست^۲. در لسان العرب آمده است که «سَوَسَ» به معنای ریاست است و سیاست به معنای تلاش برای اصلاح چیزی است. سیاست همچنین در لغت به معنای تصدیق شئون ملت و تدبیر امور مملکت نیز آمده است^۳.

در فرهنگ لغت لاتین، واژه سیاست به politics تعبیر شده، و این خود از واژه یونانی polis به معنای شهر گرفته شده است. بنا به گفته ارسطو در کتاب سیاست: انسان به حکم polis is موجودی است

^۱ - المنجد الطلاب، ص 345.

^۲ - محمد اسماعیل خدادادی، مبانی علم سیاست، ص 17.

^۳ - لسان العرب، ج 6، ص 108.

که برای زندگی در polis آفریده شده است. در واقع سیاست در معنای یونانی علم حکومت بر شهر بوده است.^۱

علم سیاست

سیاست علمی است که همه شکل‌های رابطه‌های قدرت را در زمان و مکان‌های گوناگون بر می‌رسد و جهت و چگونگی اعمال این قدرت را می‌نماید.^۲ در کتاب آشنایی با علم سیاست که سه تن از استادان آمریکایی نوشته‌اند، می‌خوانیم که: «علم سیاست را می‌توان به عنوان علم دولت یا به عنوان رشته‌ای از علوم اجتماعی که مربوط به تئوری، سازمان‌ها، حکومت و اعمال دولت است، تعریف نمود»^۳. البته همه تعریف‌ها و مفهومی‌هایی که از سیاست وجود دارد، در بردارنده پاره‌ای از حقیقت است.^۴ منظور از علوم سیاسی دسته‌ای از علوم انسانی است که درباره قدرت با هم پیوند دارند و در مجموع، عرصه سیاست را پی‌ریزی کرده، رشد می‌دهند. علمی مثل فلسفه سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، تاریخ اندیشه‌های سیاسی، روابط بین‌الملل و ... از جمله علوم سیاسی شناخته شده‌اند.^۵

اساساً سیاست به تنهایی علم خاصی نیست و مجموع این رشته‌ها با عنوان علوم سیاسی به موضوع سیاست می‌پردازند. به طور کلی اگر این عقیده را مبنا قرار دهیم که شاخه‌های متنوعی از علوم اجتماعی و علوم انسانی به نوعی به حیات سیاسی انسان می‌پردازند، علم مستقلی به نام علم سیاست یافت نمی‌شود و باید عنوان علوم سیاسی را گرفت.^۶

فن سیاست

بسیاری از صاحب نظران سیاست را فن و تکنیک می‌دانند. می‌گویند علم باید دارای ضوابط و قواعد دقیق و کامل و آزمایش شده باشد و سیاست نمی‌تواند علم تلقی شود؛ چرا که بیش از هر عرصه‌ای از علوم انسانی، اراده انسان بر آن حاکم است و می‌گویند سیاست را باید در عمل فراگرفت. انسان با آموزش عملی و در کوران بحران‌ها و در استقبال از خطرهای و حوادث شخصی با سیاست آشنا می‌شود. آنان که در رأس قدرتند، آنان که زمامدار کشورند، آنان که در روابط خارجی کار می‌کنند و بالأخره آنان که وظایف شغلی سیاسی دارند، غالباً علم سیاست را در دانشکده نیاموخته‌اند، بلکه با تجربه و در عمل و با تکرار اشتباه و اصلاح خطا و برخورد با حوادث، فنون و آموزش‌های سیاسی را فرا گرفته‌اند و عنوان سیاستمدار یا سیاستگذار

۱ - ارسطو، سیاست، ص 5.

۲ - عبدالحمید، ابوالحمد، مبانی سیاست، ج 1، ص 29.

۳ - همان، ج 1، ص 23.

۴ - همان، ج 1، ص 8-9.

۵ - مبانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن، ص 33.

۶ - مدنی، سیدجلال الدین، مبانی و کلیات علوم سیاسی، ج 1، ص 24.

را به خود اختصاص داده‌اند. اساساً در یکی از تعریف‌های معروف، سیاست را «فن حکومت کردن» بیان کرده‌اند و در این عبارت طبعاً متوجه این نتیجه بوده‌اند که سیاست فن است. آیا با فراگیری دانش سیاسی می‌توان در این فن مهارت بیشتری کسب کرد یا اینکه علم سیاست و فن سیاست کاملاً متفاوت‌اند؟ در علم سیاست اطلاعات و آگاهی‌هایی به دست می‌آید که جنبه نظری و فکری دارند و کمتر قابلیت عمل دارند و سیاستی که در عمل کاربرد دارد، همان فن است.^۱

در مفهوم تفسیر سیاسی، هر دو اصطلاح حضور دارد و این مفسر است که با تخصص خود در یکی از این دو مورد یا علاقه و درگیری ذهنی و عینی با آن، تفسیر سیاسی خود را به علم سیاست یا فن سیاست اختصاص می‌دهد.^۲

علم سیاست در معنای عام و خاص

بدون تردید واژه‌ها در علوم گوناگون فاقد تعاریفی جامع و مانع و اجماعی‌اند. وجود نگرش‌ها و منظرهای مختلف، به مفاهیم علوم انسانی سبب شده است در طول تاریخ تعاریف مختلفی از سیاست ارائه شود. علم سیاست را باید به دو مفهوم خرد و کلان به کار برد:

الف) معنای عام (کلان)

در معنای عام، هر گونه راه‌برد و روش و مشی برای اداره یا به‌کرد هر امری از امور، چه شخصی چه اجتماعی، «سیاست» گفته می‌شود، چنان که از سیاست اقتصادی، سیاست نظامی، سیاست مالی، سیاست آموزشی و جز آنها سخن می‌گوییم.^۳

ب) معنای خاص (خرد)

به معنای خاص، هر امری که مربوط به دولت و مدیریت و تعیین شکل و مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد، از مقوله امور «سیاسی» است. بنابراین، هرگاه از «سیاست»، به معنای خاص سخن می‌گوییم، همواره با دولت، یعنی سازمان قدرت در جامعه، که نگهبان نظم موجود یا پیش‌برنده آن است، سروکار داریم. امور سیاسی شامل مسائل مربوط به ساخت دولت، ترتیب امور در کشور، رهبری طبقات، مسائل کشاکش بر سر قدرت سیاسی میان حزب‌ها و گروه‌های با نفوذ و غیره است.^۴

۱ - همان، ج 1، ص 27-28.

۲ - مبانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن، ص 34-35.

۳ - داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، ص 212.

۴ - همان، ص 212-213.

برخی از نویسندگان کوشیده‌اند با توجه به دامنه گسترده و بین رشته‌ای علم سیاست، نظام سیاسی را به عنوان موضوع معین و متقن و مرکزی این دانش تثبیت کنند. با این حال به نظر می‌رسد که علم سیاست مرکز و شالوده دائمی و واحدی نداشته باشد و همچون بسیاری از دانش‌های دیگر دانشی چند مرکزی باشد؛ این که کدام یک از این موضوعات مرکزی، به عنوان موضوع اصلی علم سیاست معرفی شود، بستگی به علائق دانشمندان سیاسی، مسائل مهم در هر دوره، تأثیر دانش‌های پیرامونی و پشتیبان و بسیاری عوامل دیگر دارد. از این رو در تأثیرهای مختلف، دانش سیاسی به عنوان دانش قدرت، دولت، رفتار سیاسی، تصمیم‌گیری سیاسی، اداره امور عمومی و غیره تعریف شده است.¹

سیاست نزد اندیشمندان جهان

تفکر سیاسی در عهد باستان و در غرب از یونان آغاز شد. از همان زمان‌ها سیاست را ارباب علوم نامیده‌اند. در جوامع امروزی سیاست چنان با زندگی مردم آمیخته است که همگان خواه ناخواه با آن سرو کار می‌یابند؛ یا بر آن تأثیر می‌گذارند یا از آن متأثر می‌شوند. جنبه‌های گوناگون زندگی مادی و معنوی به نحوی با سیاست مربوط می‌شود و از این راه سیاست در جایگاهی قرار می‌گیرد که همه حوزه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. به گفته رابرت دال: «سیاست یکی از حقایق غیر قابل اجتناب زندگی بشر است. انسان‌ها در هر لحظه از زمان به نوعی با مسائل سیاسی درگیر می‌باشند»².

همانگونه که به تفصیل خواهد آمد اندیشمندان علوم سیاسی، درباره چستی سیاست برداشتی یگانه ندارند. علت اساسی اختلاف آنان نیز تعریف ناپذیری سیاست یا جهل اندیشمندان سیاسی نیست، بلکه به نظر می‌آید سبب اساسی این امر اختلاف نظر در مبانی معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی است. سیاست واژه ایست که در فرهنگ‌های متفاوت از شرایط محیطی و پیش فرض‌های معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، ایدئولوژیکی و نحوه نگرش، بینش، کنش و رهیافت‌های مختلف فکری متأثر بوده و در نتیجه معانی مختلفی را نیز در پی داشته است. نقش نظام ارزشی در این اختلاف بیشتر است؛ زیرا هم از فردی به فرد دیگر و هم از جامعه‌ای به جامعه دیگر متغیر است و هم وابستگی هویت سیاست، به جهت اعتباری بودن، به نظام ارزشی آشکارتر است.

بنابراین هر اندیشمندی از زاویه نگرش به مبانی و پیش فرض‌های خویش و همچنین از منظر دغدغه‌های حیات سیاسی خود بدان نگریسته است. بنابراین درباره مفهوم سیاست نظرهای مختلفی ارائه

1 - بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی، ص 19.

2 - بنیادهای علم سیاست، ص 24.

شده است. اما در کل می توانیم همه تعاریف ارائه شده را در چارچوب دو پارادایم «قدرت محوری» و «هدایت محوری» دسته بندی کنیم^۱.

سیاست در اصطلاح اندیشمندان غربی

تعاریفی که اندیشمندان غربی از سیاست ارائه کرده اند بر اساس «قدرت محوری» بوده است. آنها با تأثر از معرفت شناسی تجربه گرایانه و با پرهیز از تعاریف غایت گرایانه، به توصیف و تبیین آنچه هست پرداخته اند. البته در غرب نیز تا کنون تلاشهایی صورت گرفته است تا مفهوم اصلاح و هدایت به *politics* افزوده شود، اما تا کنون موفق نبوده است^۲. در نگاه اندیشمندان غربی سیاست و علم سیاست با قدرت موجود در جامعه از لحاظ ماهیت، پایه، عرصه و نتایج سرو کار دارند. کانون توجه دانشمند علم سیاست روشن و آشکار و عبارت است از شناخت مبارزه‌ای که در راه کسب یا حفظ قدرت یا نفوذ بر دیگران، یا جلوگیری از اعمال آن وجود دارد. بنابراین برای روشن شدن این نوع از تفکر سیاسی، برخی از تعاریف ارائه شده برای سیاست از سوی اندیشمندان غرب را در اینجا بیان می کنیم:

- متفکرانی مانند هارولد لاسول، چارلز مریام، ماکس وبر، برتراند راسل، واتکینس، هانس مورگنتا، با تأکید بر سرشت پویای سیاست معتقدند که قدرت، مفهوم اساسی سیاست است و همه شاخه‌های علم سیاست را به هم می پیوندد^۳.
- لاسول، در تعریف علم سیاست گفته است: علم سیاست به صورت یک نظام تجربی عبارت از مطالعه چگونگی شکل گرفتن قدرت و سهمیم شدن در آن است. و عمل سیاسی عملی است که بر اساس قدرت انجام گیرد^۴.
- همچنین گفته شده است که: سیاست {مقوله‌ای} درباره قدرت است، یعنی مربوط به توانایی کارگزاران، کارگزاری‌ها، و نهادهای اجتماعی برای حفظ یا تغییر محیط اجتماعی یا مادی خودشان. مقوله‌ای است درباره منابعی که شالوده این توانایی را تشکیل می دهند و نیروهایی که آن را اعمال می کنند و بر آن تأثیر می گذارند^۵.
- نولی، معتقد است که سیاست عبارت است از «همه آن فعالیت‌هایی که مستقیم یا غیر مستقیم با کسب قدرت دولت، تحکیم قدرت دولت، و استفاده از قدرت دولت همراه است»^۶.

1 - لکزایی، نجف، اندیشه سیاسی صدرالمتألهین، ص 85.

2 - همان، ص 86.

3 - بنیادهای علم سیاست، ص 28.

4 - همان، ص 28.

5 - همان، ص 29.

6 - همان، ص 30.

بنابراین با توجه به این تعاریف مشخص است که در نگاه این اندیشمندان مهمترین عنصر تعیین و اجرای سیاست قدرت است و شناخت آن وظیفه اصلی و اولیه علم سیاست می باشد. همچنین قدرت هسته و مرکز ثقل سیاست را به وجود می آورد و همه کشاکش ها در زندگی سیاسی به قدرت مربوط است. البته در نگاه عده ای از اندیشمندان نیز آنچه که سبب متمایز شدن روابط سیاسی انسان ها از سایر روابط اوست همان قدرت است.

در غرب تعاریف دیگری از سیاست وجود دارد که از جمله آنها:

- هنر حکومت بر نوع بشر از طریق فریفتن یا گول زدن.
- علم فرمان روابی.
- فن حکومت کردن دولت و رهبری روابط آن با سایر دولت ها.
- شکل مسلط مالکیت و مناسبات ناشی از آن که سیاست را به دنبال خود می کشد.
- تصمیم گیری درباره مسائل ناهمگون.
- عملی که می آموزد چه کسی می برد، چه چیزی را می برد، کجا می برد، چگونه می برد و چرا می برد؟¹

نکته قابل توجهی که از این تعاریف به دست می آید این است که تقریباً تمام تعاریف ارائه شده واجد جنبه ایستایی و فاقد جنبه پویایی و هدایت گری است، در حالی که در اندیشه اسلامی و به ویژه دیدگاه امام خمینی (ره) جنبه پویایی و هدایت گری وجود دارد.

سیاست در اصطلاح اندیشمندان جهان اسلام

اندیشمندان اسلامی به طور معمول - با رویکرد غایتگرایانه، سیاست را به کشورداری (تدبیر ملک) و استصلاح امت تعریف کرده اند.² در فرهنگ اسلامی، رهبری و امامت عبارت از سیاستی است که اساس آن متکی بر وحی بوده و شامل همه روابط انسانی می گردد و بنیادها، نهادها، روابط اجتماعی، آراء، عقاید، فرهنگ، اخلاق، بینش ها، سنت ها، خواسته ها و به طور کلی روابط فرد با فرد، فرد با خدا، فرد با خود و فرد با طبیعت را سمت و سوی الهی می دهد. امام و رهبر، انسان کامل و متعهد و مسئولی است که حکومتش بر اساس مکتب به منظور ایجاد تحول و تکامل هر چه سریعتر فرد و جامعه و هدایت آنها به سوی کمال شکل می گیرد.³

1 - لکزایی، نجف، اندیشه سیاسی صدرالمتألهین، ص 86-87.

2 - مبانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن، ص 175.

3 - لکزایی، نجف، اندیشه سیاسی صدرالمتألهین، ص 86.

بنابراین تعاریفی که اندیشمندان اسلامی از سیاست ارائه داده‌اند «هدایت محور» بوده و اصلاح و هدایت جامعه را در نظر دارد. برخی از مهمترین تعاریف سیاست در نگاه اندیشمندان اسلامی را بیان می‌کنیم:

- در نگاه **ملاصدرا** مفهوم سیاست اینگونه تعریف شده است که: «سیاست حرکتی است که مبدأ آن از ناحیه نفس جزئیه است و این حرکت تابع حسن اختیار افراد بشر است که به اعتقاد خویش افراد بشر را در یک نظامی که آنان را اصلاح کند جمع کند»^۱.

در تمام منظومه فکری ملاصدرا و از جمله فهم وی از سیاست و رابطه آن با شریعت، لازم است به جایگاه انسان در دنیا و آخرت و منازلی که وی باید از دنیا به سوی آخرت طی کند، توجه شود. لذا از نظر ملاصدرا، سیاست به معنای تدبیر و هدایت جامعه از دنیا به سوی آخرت به منظور تقرب به خداوند متعال می‌باشد؛ حرکت از خودپرستی به خداپرستی و از شرک به توحید. بدیهی است چنین سیاستی به انبیاء، ائمه و علمای واجد شرایط اختصاص دارد. بر اساس دیدگاه ملاصدرا، انسان‌ها دو راه در پیش دارند: 1- راه خدا و 2- راه طاغوت. راه خدا همان راه مستقیم الهی است که ولیّ و رهبر آن، خدا، پیامبران، ائمه و علمای واجد شرایطاند و مقصد آن خدا و بهشت است و راه طاغوت، راه کفر و تفرقه و شرک و مقصد آن، فساد و جهنم است.^۲

- **خواجه نصیرالدین طوسی** سیاست را با نظر به فعلش که در مطلق جوامع اجتماعات مختلف و گروه‌ها رخ می‌دهد تدبیر می‌کند و به اعتبار غایتش که غایت آن بسته به تعریف از انسان و زندگی مختلف می‌شود ارشاد و هدایت و تحصیل سعادت و بالاخره ایصال إلى المطلوب می‌داند.^۳

نکته‌ای را که در باور به هدایت محوری سیاست باید مد نظر قرار داد این است که: سیاست به معنای هدایت فی‌نفسه هدف نیست بلکه ابزار و وسیله‌ای است برای رسیدن به غایتی والاتر که همان غایت شریعت است. به همین منظور است که اندیشمندان اسلامی در تعاریف خود سیاست و شریعت را همسو می‌سازند و تفکیک آن دو را ناممکن می‌دانند. بر همین اساس سیاست اسلامی هرگز نمی‌تواند بر پژوهش درباره‌ی رقابت بر سر تصاحب قدرت تقلیل یابد؛ اما این بدین معنا نیست که قدرت اهمیت موضوعی ندارد بلکه بدین معنا است که قدرت تنها یک ابزار است و باید در خدمت اهداف متعالی دیگری غیر از خود قدرت به کار گرفته شود.^۴

1 - صدرالدین محمد شیرازی، شواهد الربوبیه، ص 496.

2 - لکزایی، نجف، اندیشه سیاسی صدرالمتألهین، ص 85-89.

3 - خواجه نصیر الدین طوسی، اخلاق ناصری، مصحح مجتبی مینوی، چاپ دوم، خوارزمی، 1364، ص 71.

4 - فراتی، عبدالوهاب، دانش سیاسی در حوزه علمیه قم، ص 90.

تعریف سیاست در نگاه امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) در تعریف سیاست به بُعد «هدایت محوری» آن توجه کرده و در تفسیر آیه 5 سوره حمد «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» چنین می نویسد:

آنها می خواهند ملت را، ملتها را، اجتماع را، افراد را هدایت کنند، راه ببرند در همه مصالحی که از برای انسان متصور است، از برای جامعه متصور است. همانی که در قرآن صراط مستقیم گفته می شود، اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ما در نماز می گوئیم. ملت را، اجتماع را، اشخاص را راه ببرد به یک صراط مستقیمی که از اینجا شروع می شود و به آخرت ختم می شود. الی الله است. سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد، و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت هست، صلاح افراد هست و این مختص به انبیاست. دیگران این سیاست را نمی توانند اداره کنند. این مختص به انبیا و اولیاست و به تبع آنها به علمای بیدار اسلام. و هر ملتی علمای بیدارش در زمانی که آن ملت نبیشان بوده است¹.

امام خمینی(ره) بلافاصله بعد از ارائه چنین تعریفی از سیاست، با توجه به سرشت و جایگاه انسان، به دو نوع از سیاست یعنی، سیاست صحیح و سیاست غلت(باطل) اشاره کرده و می فرماید:

اینکه می گویند شما دخالت در سیاست نکنید و بگذارید برای ما، شماها سیاستتان، سیاست صحیحتان هم یک سیاست حیوانی است. آنهایی که فاسدند، سیاستشان سیاست شیطانی است، آنهایی که صحیح راه می برند باز سیاستی است که راجع به مرتبه حیوانیت انسان، راجع به رفاه این عالم، راجع به حیثیاتی که در این عالم هست راه می برند. لکن انبیا، هم این عالم را و هم آن عالم را- و اینجا راه است برای آنجا- اینها هدایت می کنند. مردم را به این راه و آنچه که صلاح ملت است، صلاح جامعه است. اینها آنها را به آن صلاح دعوت می کنند. و صلاح مادی و معنوی از مرتبه اول تا آخری که انسان مراتب کمال دارد².

بنابراین بر اساس نظام فکری و دیدگاه امام(ره) در رابطه با سیاست، باید گفت که در اعتقاد ایشان سیاستی به نفع بشریت است که عامل و مجری آن انبیاء الهی باشند؛ تا به وسیله وحی اهداف و برنامه های دنیا و آخرت انسان را تبیین کرده و وی را به سعادت برساند. بنابراین انسان ها دو راه در پیش روی خود دارند که ناگزیر به انتخاب یکی از آنها هستند:

1) یا باید با قبول رهبری انبیاء الهی خصوصاً آخرین پیامبر خداوند یعنی حضرت محمد(ص) در برابر دستورات ایشان سر تعظیم فرود آورده و برای رهایی از ظلمات، سیاست هر دو دنیای خود را به آنان بسپارند.

1 - خمینی، روح الله، تفسیر سوره حمد، ص 246.

2 - همان، ص 247.

2) یا اینکه از سیاست‌های افرادی پیروی کنند که حتی در صورت صحیح بودن باز هم سیاستشان باطل است؛ زیرا آنها فقط مسائل این دنیا را مد نظر قرار می‌دهند و از آخرت خویش غافل هستند.

با توجه به مطالب بالا در اینجا دو برداشت مثبت و منفی از سیاست به وجود می‌آید. بدین صورت که ریاست، حکومت و سیاست به خودی خود زشت نیست، بلکه حسن و قبح آن تابع اهدافی است که رؤسا و سیاستمداران تعقیب می‌کنند. چنان که در این باره امام خمینی(ره) در خاطرات خود آورده‌اند که:

آمد یک نفر از اشخاصی که میل ندارم اسمش را ببرم گفت: آقا سیاست عبارت است از «دروغ گفتن»، «خدعه»، «فریب»، «نیرنگ» و خلاصه «پدر سوختگی» است و آن را شما برای ما بگذارید... گفتم از اول ما وارد این سیاست که شما می‌گویید نبوده‌ایم^۱.

پس سیاست یکی از مهمترین ارکان یک جامعه است که اگر بر پایه‌های درستی بنا شده باشد، موجب تعاملات درست و منطقی در معادلات سیاسی-اجتماعی جامعه می‌شود. بیان اصول و مبانی سیاسی قرآن کریم و کنکاش آن در تفاسیر متعدد از جمله در تفسیر سیاسی که امام خمینی(ره) ارائه داده؛ بیان‌گر این مطلب است که باید برای اداره صحیح جامعه از قوانین متعالی اسلام در تمامی عرصه‌ها، به ویژه عرصه سیاست بهره کامل برد.

تعریف تفسیر

در لغت

تفسیر، باب تفعیل از «فسر»، مقلوب از «سفر» و به معنای بیان و کشف است، چنان که «اسفرالصبح» یعنی صبح روشن شد^۲.

در اصطلاح

درباره تعریف اصطلاحی تفسیر از سوی محققان و اندیشمندان اسلامی تعاریف بسیاری وارد شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- تفسیر در اصطلاح مفسران زدودن ابهام از لفظ مشکل و دشواری است که در انتقال معنای مورد نظر، نارسا و دچار اشکال است^۳.

1 - صحیفه امام، ج 9، ص 505.

2 - ابن منظور، لسان العرب، ج 5، ص 55.

3 - معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، ج 1، ص 17.

- تفسیر، تحلیل مبادی و رسیدن به مقصود متکلم و مدلول بسیط و مرکب لفظ است.^۱
- تفسیر، بیان مفاد استعمالی آیات قرآن و کشف مراد خداوند و مقاصد الهی از آن بر مبنای قواعد ادبیات عرب و اصول محاوره عقلایی است.^۲
- تفسیر، بیان معانی آیات قرآن و کشف مقصود و مدلول آیات است.^۳

تعریف تفسیر از نگاه امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) با توجه به معنای بسیاری از آیات قرآن از جمله آیه 2 سوره بقره که خداوند متعال می فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» به بُعد هدایتگری قرآن کریم اشاره کرده و در تعریف تفسیر می فرماید:

به طور کلی، معنی تفسیر کتاب آن است که شرح مقاصد آن کتاب را بنماید و نظر مهم به آن، بیان منظور صاحب کتاب باشد.^۴ به عقیده من تفسیر هم برای قرآن ما نوشته نشده است، گرچه خیلی از کتابها را انسان می بیند که به اسم تفسیر است؛ مثلاً بهترین و جامع ترین تفسیر، مجمع البیان است و اگر انسان به آن مراجعه کند شأن نزول آیات و معانی لغویه و صرفیه و نحویه و اعراب و بنایش را می داند، اما آن جنبه تفسیر و مقصود اصلی قرآن که هدایت مردم است زمین مانده است؛ زیرا مقصود قرآن این است که در جاهای متعدده فرموده: «الْم * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»^۱ که اصلاً این کتاب هدایت است...^۵

به نظر امام خمینی(ره) اگر مفسری مقاصد کتاب را روشن نکند؛ هرچند در شرح کلمات موفق باشد، باز نمی تواند مفسر قرآن باشد؛ مفسر قرآن بودن، یعنی مفسر مقاصد قرآن بودن است.

این تفسیرهایی که بر قرآن نوشته شده است از اول تا حالا، این ها تفسیر قرآن نیستند. اینها البته یک ترجمه هایی یک بویی از قرآن بعضی شان دارند و الا تفسیر این نیست؟ باید مفسر در هر قصه از قصص آن، بلکه هر آیه از آیات آن، جهت اهتدای به عالم غیب و حیث راهنمایی به طریق سعادت و سلوک طریق معرفت و انسانیت را به متعلم بفهماند. مفسر وقتی مقصد از نزول را به ما بفهماند، مفسر است، نه سبب نزول به طوری که در تفاسیر وارد است.^۷

¹ - جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج 1، ص 25.

² - رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، ص 12.

³ - طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 2.

⁴ - خمینی، روح الله، آداب الصلاة، ص 193-195.

⁵ - خمینی، روح الله، تقریرات فلسفه، ج 3، ص 362.

⁶ - صحیفه امام، ج 19، ص 8.

⁷ - خمینی، روح الله، آداب الصلاة، ص 193-195.

ایشان همچنین در این باره با اشاره به تفسیر آیه 17 سوره قمر: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» در تعریف تفسیر می فرمایند:

اصلاً این کتاب هدایت است، و یا فرموده است: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» صاحبان تفسیر متوجه آن جهات هدایت و تذکر قرآن نیستند و نکات هدایت و سوق جمعیت به شاهراه هدایت را بیان نمی نمایند؛ یکی آمده به جنبه طبی، تفسیر می کند، یکی به جنبه تاریخی، دیگری به جنبه ادبی، ولی اصل مقصود زمین مانده است. غافل از اینکه اگر قرآن به جنبه تاریخی کار داشت، لازم نبود یک قصه، مثلاً قصه آدم(ع) را در کتاب کمتر از سیصد ورق تقریباً بیست جا نقل کند، با اینکه انسان یک قصه را اگر یک دفعه شنید، دوباره شنیدنش در سامعه حسنی ندارد، بلکه مستنکر است، پس معلوم می شود که نکات هدایتی دارد و غرض از تکرار، جهت مناسب با اصل مقصود قرآنی است، و مثلاً قصه موسی علیه السلام را که الهی ما شاء الله ذکر کرده است، البته یکی از شاهکارهای قرآن این حکایات و قصص قرآن است. منتها با آن جنبه اهتدا که دارد.¹

بنابراین در دیدگاه امام خمینی(ره) تفسیر، به اغراض و مقاصد قرآن و سوره و آیات و موضوعات ختم می شود. پس تفسیر علاوه بر فهم معنای دقیق آیات باید مدلول (تطابقی و التزامی و تضمینی آیات) و مقصد و غرضی را که هر آیه به دنبال آن است، به درستی تبیین کند.²

اقسام تفسیر

شیوه نگارش مفسران در تفسیر یکسان نیست و بر اساس سلیقه و ذوق و یا با توجه به مخاطب خاص، اسلوبهای نگارش و سبک پردازش مطلب متفاوت است. گاهی تفسیر ترتیبی است، یعنی از اول تا آخر قرآن به تفسیر آیه به آیه می پردازد (مثل تفسیر المیزان، نمونه و مجمع البیان)؛ گاهی تفسیر موضوعی است، یعنی یک موضوع را در آیات و سوره های مختلف پی گیری می کند و مطالب مربوط به آن را جمع آوری و نتیجه گیری می کند (مثل تفسیر پیام قرآن آیت الله مکارم شیرازی و منشور جاوید آیت الله سبحانی و...)؛ گاهی مفسر مختصر، گاهی طولانی و گاهی متوسط می نویسد. یعنی حجم و کمیت تفسیرها متفاوت می شود. برای مثال، مرحوم فیض کاشانی سه تفسیر الاصفی، مصقی و صافی، مرحوم شبّر سه تفسیر الوجیز، الجواهر الثمین و صفوة التفاسیر و مرحوم طبرسی سه تفسیر جوامع الجامع، مجمع البیان و الکاف الشاف دارند که به ترتیب مختصر، متوسط و مفصل اند.

گاهی تفسیرها به صورت شرح و متن است، یعنی آیه را متن و تفسیر را شرح آن قرار داده اند، مثل تفسیر المیزان. گاهی نیز تفسیر و آیات مخلوط و به صورت مزجی است، مثل تفسیر شبّر و نفحات الرحمان

1 - خمینی، روح الله، تقریرات فلسفه، ج 3، ص 362

2 - حسنی، ابوالحسن، و جمعی از پژوهشگران، مبانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن، ص 32.

از نپاوندی. گاهی تفسیر به همه آیات قرآن می‌پردازد، مثل مجمع البیان، و گاهی ناقص و دربرگیرنده سوره‌ای یا تعدادی از آیات یا سوره‌های قرآن است، مثل احکام القرآن راوندی که شامل آیات فقهی قرآن است و نیز تفسیر آلاء الرحمن بلاغی که ناقص است. گاهی نیز تفسیر جامع (علوم قرائات، لغت، ادب، اقوال و روایات) است و گاهی تخصصی (همچون تفاسیر روایی یا ادبی).^۱

اما در رابطه با تفسیر موضوعی باید گفت که تفسیر موضوعی روشی است برای کشف، شناخت و تبیین موضوع با ملاحظه آیات مشترک، هم موضوع، هم مضمون و یا مبانی که به شناخت مطالب کمک می‌کند. در این روش مفسر آیات مختلف درباره یک موضوع را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و با جمع بندی و تحلیل دیدگاه قرآن را درباره آن ارائه می‌دهد. معمولاً تفسیر موضوعی به دنبال پاسخ پرسشی انجام می‌گیرد که در زمینه‌های مختلف اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، فقهی و حتی مفهومی مطرح است و مفسر به دنبال نظریه پردازی و استخراج دیدگاه قرآن است.^۲ در روش تفسیر موضوعی نیز هدف کشف مراد و دیدگاه قرآن کریم است. در این روش، بر خلاف شیوه تفسیر ترتیبی، محقق در صدد بررسی ترتیبی و آیه به آیه نیست بلکه با طرح پرسش‌ها و تأمل در ابعاد موضوع در پی آن است که تمام آیات مربوط به موضوع را گرد آورد و در نهایت دیدگاه جامع و فراگیر قرآن کریم را در آن باب استخراج و معرفی کند.^۳

در این روش تفسیری که در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است موضوع می‌تواند بر اساس یکی از موضوعات: درون قرآنی، فرا طبیعی و یا مرتبط با زندگی فردی و اجتماعی بشر انتخاب شود. تفاوت تفسیر موضوعی با تفسیر قرآن به قرآن در این است که مفسر در تفسیر قرآن به قرآن به دنبال تبیین و بازشناسی معنا و مفهوم واژه یا مدلول آیات است اما هدف تفسیر موضوعی دستیابی به پیام قرآن، بیان نکته‌ای از مفاد قرآن و یا استخراج نظریه و دیدگاه قرآن پیرامون موضوع مورد نظر است.^۴

امام خمینی(ره) در میان گرایشهای تفسیری به گرایش عرفانی، فلسفی، اخلاقی و اجتماعی توجه بیشتری نشان داده است، همان طور که در تفسیر خویش جهت‌گیری سیاسی، جهادی و تقریبی را نمایان ساخته است. ایشان در اسلوبهای تفسیری به تفسیر ترتیبی در تفسیر سوره حمد روی آورده و به صورت پراکنده تفسیرهای موضوعی کوتاهی در ضمن مباحث بیان کرده‌اند.^۵

^۱ - رضایی‌اصفهانی، محمدعلی، روش شناسی تفسیری امام خمینی(ره) و جایگاه آن در بین روشهای تفسیری فریقین، نشریه طلوع، شماره 18، تابستان 1385.

^۲ - ایازی، محمدعلی، تفسیر موضوعی چیست؟، پیام جاویدان، شماره 1، صص 66-73.

^۳ - بهروزی لک، غلامرضا، رویکردهای مطالعات سیاسی در قرآن کریم، شماره دوم، صص 39-62.

^۴ - ایازی، محمدعلی، تفسیر موضوعی چیست؟، پیام جاویدان، شماره 1، صص 66-73.

^۵ - رضایی‌اصفهانی، محمدعلی، روش شناسی تفسیری امام خمینی(ره) و جایگاه آن در بین روشهای تفسیری فریقین، نشریه طلوع، شماره 18، تابستان 1385.

تفسیر سیاسی

قرآن کریم به منزله کلام وحی و آخرین پیام الهی برای سعادت بشر، تأثیر و جایگاه مهمی در زندگی فردی و سیاسی بشر دارد. یکی از راه های تبیین این امر بررسی دیدگاه های قرآن کریم در باب سیاست است تا بتوان پیام الهی را به درستی دریافت کرد و در زندگی سیاسی- اجتماعی خود به کار برد. بنابراین قرآن کریم با توجه به جامعیت و فراگیر بودنش، علاوه بر بیان اعتقادات و احکام فردی، به احکام اجتماعی، سیاسی و حقوقی توجه ویژه دارد. از آنجایی که تفسیر قرآن کشف نکات و کنار زدن لایه ها و شناخت پیام ها به اندازه معرفت انسان و پرسشگری اوست؛ لذا گاهی به خاطر احساس نیاز و ضرورت، ذهن و روان مفسران قرآن در تعامل با شرایط و مسائل عصر خود، به یکی از آنها تمایل می یابد و سمت و سوی خاصی پیدا می کند. گاهی مسائل معنوی و تربیتی و اخلاقی مهم ترین جهت گیری مفسر است و از این رو در نگارش تفسیر قرآن نیز به آیات اخلاقی و معنوی توجه بیشتری می کند. گاهی نیز مفسر به تقریب مذاهب اسلامی و وحدت اسلامی می اندیشد و از این رو در تفسیر خود به آیات مربوط به وحدت توجه بیشتری می کند. گاهی هم توجه و جهت گیری مفسر، جهادی و سیاسی و مبارزه با حکومت های فاسد است و از این رو به آیات سیاسی قرآن توجه بیشتری پیدا می کند.

تفسیر سیاسی قرآن یک پدیده نوپیدا و جدید است و در چالش سنت و مدرنیته شکل گرفته است. بنابراین با توجه به تبیین معنای تفسیر و با این توضیح که مفسر باید دنبال غرض و مقصود آیات باشد نه صرف معنای آنها؛ همچنین با تعاریفی که از سیاست به دست دادیم، اکنون در رابطه با تفسیر سیاسی باید گفت که تفسیر سیاسی قرآن، جزو تفسیر موضوعی می باشد و از تفسیر جزء به جزء یا ترتیبی قرآن متمایز و متفاوت است. تفسیر موضوعی کار خود را با واقعیت موجود در خارج و با محصول تجربه بشر آغاز می کند و خود را به هرچه از رهگذر این تجربه حاصل شده است مجهز می سازد و از افکار و مفاهیم آن بهره می گیرد و سپس به قرآن مراجعه می کند تا از او داوری بخواهد و در پیشگاه قرآن به تعبیر حضرت علی (ع) به «استنطاق» پردازد. چنین نقشی در واقع نقش «بازپرس» و یک نقش مثبت است. مفسر در این روش تفسیری، گفتگوگری فعال است که در صدد عرضه مشکلات، سوال و موارد استفهامی- که در پرتو محصول تجارب انسانی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حاصل شده است- به قرآن است و در خلال این گفتگو و مناظره با شریفترین و والاترین کتاب، پاسخ های خود را که در قرآن پراکنده است دریافت می کند؛ بنابراین تفسیر سیاسی قرآن، تفسیری است معطوف به قدرت و حکومت و اصلاح اجتماعی و به دنبال سامان بخشی به نظام سیاسی و اجتماعی جهت دستیابی به حق، عدل و آزادی در جامعه است.¹

البته برخی نیز تفسیر سیاسی قرآن را به عنوان روش و منهج معرفی می کنند؛ یکی از مناهج تفسیری قرآن کریم، تفسیر سیاسی- اجتماعی است. مفسران این روش معتقدند که با وجود تحولات جدید و مشکلات

¹ - خانمحمدی، یوسف، تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر، صص 15-16.

اجتماعی و سیاسی مراجعه به تفسیر قرآن بهترین راه حل است؛ تفسیر قرآن را نه با دیدگاه کلامی، فلسفی و ادبی و عرفانی بلکه با نگرش اجتماعی باید مورد مطالعه قرار داد.^۱

بنابراین غرض و مقصود برخی آیات به صورت روشن و برخی به صورت نیمه‌روشن به تبیین و اصلاح و بنیان گذاری مسائل و برنامه‌های سیاسی اسلام مربوط می‌شود و تفسیر وظیفه دارد این غرض‌های سیاسی را به خوبی شناسایی و شرح کند تا اسلام را آخرین دین الهی و دینی که دارای نظام سیاسی و تمامی امور لازم برای اداره یک جامعه است، به جهان معرفی کند. این فهم سیاسی از قرآن می‌تواند در سطوح، روش‌ها، قالب‌ها و مصداق‌های گوناگون مطرح شود؛ از این رو بررسی این مصداق‌ها به افزایش روشنگری مفهوم تفسیر سیاسی می‌انجامد.^۲ در تفسیر سیاسی نباید از شیوه تحمیل بر قرآن استفاده کرد، چون به تفسیر به رأی منتهی می‌شود، اما می‌توان از شیوه استخدام علوم سیاسی برای فهم بهتر آیات قرآن یا استنباط نظام سیاسی از قرآن استفاده کرد.

بنابراین تفسیر سیاسی قرآن اندیشه‌ای نص محور و درون‌گراست که با اعتقاد به جامعیت و خودکفایی قرآن، راه حل سیاست امروزین را در بازگشت بازفهمانه قرآن می‌داند. تفسیر سیاسی قرآن، جزو تفسیر موضوعی می‌باشد و از تفسیر جز به جزء یا ترتیبی قرآن متمایز و متفاوت است.^۳ البته ناگفته نماند که ترکیب «تفسیر سیاسی قرآن» یک عبارت جدید التأسیس است که تعریف معتبر و قابل استنادی برای آن پیدا نمی‌شود.

البته مفسران قرن اخیر همچون شیخ محمد عبده، سید محمد رشید رضا، سید محمد قطب، سید محمدحسین طباطبایی، محمدطاهر ابن عاشور، سید محمود طالقانی، و دکتر وهبه زحیلی هر کدام به گونه‌ای به معارف اجتماعی قرآن توجه کرده‌اند و به تناسب به طرح مختلف بحث‌های دامنه‌داری پیرامون دیدگاه قرآن درباره اجتماع، سیاست، اقتصاد و فرهنگ و... پرداخته‌اند. جدای از این تفاسیر کتاب‌های متعددی به عنوان تک‌نگاری و تفسیر موضوعی در این حوزه نگاشته شده است، از جمله: حقوق و سیاست در قرآن از محمد تقی مصباح یزدی و سیاست و حکومت در قرآن از کاظم قاضی زاده. حوزه سیاست و حکومت یکی از حوزه‌های اجتماعی است. عناوینی چون: نظام الحکم فی الاسلام؛ والنظم السلامیه در تالیفات اندیشمندان عرب زبان هست. موضوعاتی چون حاکمیت، شورا، خلافت، ملک، سیاست خارجی، عدالت اجتماعی، ... نیز از این موضوعات است.^۴

۱ - همان، ص 16.

۲ - میانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن، ص 39.

۳ - خان محمدی، یوسف، تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر، ص 15.

۴ - قاضی زاده، کاظم، سیاست و حکومت در قرآن، ص 10.

گونه شناسی تفسیر سیاسی

تفسیر سیاسی قرآن عنوان مشککی است که دارای مراتب یا اقسام مختلفی است و هنگامی که این اصطلاح عنوان می‌شود می‌تواند هر یک از این سطوح و موارد را شامل شود؛ از این رو در درجه نخست باید مشخص کنیم آیا این اصطلاح همه این موارد را شامل می‌شود یا خیر و سپس ببینیم این عنوان هنگام کاربرد آیا همه موارد را به طور یکسان شامل می‌شود یا اینکه در برخی از آنها ظهور بیشتری دارد.

تفسیر سیاسی به مثابه گرایش تفسیری در تفسیر ترتیبی

مراد از گرایش تفسیری، صورت‌های مختلف تفسیر قرآن است که گاهی با عنوان‌هایی چون تفسیر کلامی، تفسیر تربیتی، تفسیر اخلاقی و ... معرفی می‌شوند. این گونه امور با تمایلات ذهنی و روانی (و تخصص علمی) مفسران ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارند. مهمترین پدید آورنده گرایش‌های مختلف تفسیری، جهت‌گیری‌های عصری مفسران است؛ بنابراین می‌توان گفت مراد از گرایش تفسیری، سمت و سوهایی است که ذهن و روان مفسر، بر تعامل با شرایط و مسائل عصر خود، بدان‌ها تمایل دارد؛ برای مثال در حالی که مهمترین دغدغه‌های فکری مفسری، تربیت معنوی افراد است، مفسر دیگری فارغ از این دغدغه، بزرگترین دل مشغولی‌اش مبارزه با حکومت جور و ایجاد یک اجتماع اسلامی با حکومتی دینی است. به طور قطع تفسیر این دو مفسر در این عین دارا بودن نقاط مشترک فراوان، دارای جهت‌گیری خاص خود است، حتی اگر منابع معتبر تفسیر، نزد آن دو یکسان باشد (برای مثال هر دو از روش قرآن به قرآن بهره برده باشند).¹

باید دانست که چند چیز در پیدایش گرایش‌ها مؤثر است که عبارت‌اند از:

- 1) دانش‌هایی که مفسر در آنها تخصص دارد. این دانش‌ها باعث ایجاد سوال‌ها یا تولید زوایای جدید هنگام مواجهه با آیات می‌شود.
- 2) روحیات و ذوقیات مفسر (علاقه‌ها و خصوصیات روانی مفسر)
- 3) دغدغه‌های مفسر نسبت به مسائل مختلف بیرونی (شرایط سیاسی و فرهنگی و اجتماعی عصر مفسر)

¹ - شاکر، محمد کاظم، مبانی و روش‌های تفسیری، ص 47-48.

4) پیش فرض‌ها و تراش‌های فکری مفسر که باعث می‌شود تفسیرها از یکدیگر متمایز گردند.^۱

اگر سیاست را به معنای بسیار عام آن در نظر بگیریم-که از امور فردی شروع می‌شود و تمامی زوایای فردی و خانوادگی و اجتماعی زندگی را شامل می‌شود- تفسیر سیاسی همانند تفسیر اجتماعی و تربیتی، نوعی گرایش خواهد بود؛ به دیگر سخن گاه تفسیر سیاسی نوعی نگاه سیاسی به کل قرآن است و به قرآن رنگی سیاسی در همه ابعاد فردی و اجتماعی آن می‌دهد. روشن است که این نگاه به قرآن، نوعی تفسیر سیاسی است و نمونه‌های این کار در بعد اجتماعی و تربیتی در میان تفسیرها کم نیست؛ از این رو با این نگاه به قرآن به راحتی می‌توان بسیاری از آیات آن را مرتبط با سیاست یافت و تفسیر کرد.

تفسیر سیاسی اگر گرایش باشد، همچون تفسیرهای اجتماعی امروزی بیشتر ناظر به حل مشکلات اجتماعی و سیاسی روز و مسائل مطرح در عرصه کنونی سیاست خواهد بود، مانند: لیبرالیسم، سکولاریسم، دموکراسی، حقوق بشر و... بر این اساس این گونه مباحث در تمامی زوایای قرآن از مسائل فردی و اعتقادی گرفته تا مباحث خانوادگی و از آنجا تا مسائل اجتماعی و حکومتی و داستان‌های انبیاء و تاریخ صدر اسلام در قرآن سایه می‌افکند و بدون اینکه بحث به صورت موضوعی درآید، هر آیه یا آیاتی که مناسبت بیشتری با بحث دارند مورد شرح و تبیین قرار خواهند گرفت.^۲

تفسیر سیاسی به مثابه تفسیر موضوعی

یکی از روش‌های تفسیر قرآن که در دهه‌های اخیر مورد توجه بیشتری نسبت به گذشته قرار گرفته است، تفسیر موضوعی است. تفسیر موضوعی تفسیری است که در آن، آیات مختلفی که درباره یک موضوعی در سرتاسر قرآن مجید در حوادث و فرصت‌های مختلف آمده است، جمع‌آوری و جمع‌بندی شود و از مجموع آن، نظر قرآن درباره آن موضوع و ابعاد آن روشن شود.^۳

به عبارت دیگر تفسیر سیاسی، هم تفسیر آیه است هم تفسیر موضوع؛ یعنی هدف مفسر یکبار تبیین و شرح یک آیه با توجه به مطالب و اغراض سیاسی موجود در آن است و بار دیگر، شرح و تبیین یک موضوع است که در این راه از آیات قرآن بهره می‌گیرد تا موضوع روشن‌تر شود. با این بیان، تفسیر سیاسی موضوعی

۱ - همان، ص 49.

۲ - مبانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن، ص 41-42.

۳ - مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران، پیام قرآن، ج 1، ص 21.

همان «سیاست در قرآن» خواهد بود؛ مانند: توحید در قرآن، نبوت در قرآن، امامت در قرآن و ... که در آنها آیات به تناسب موضوعات گردآوری شده، نظر قرآن درباره موضوع مورد نظر و ابعاد آن روشن می‌شود.^۱

تفسیر سیاسی موضوعی استخراجی

گاهی اوقات موضوع را از متن قرآن به دست می‌آوریم و حکم را هم از قرآن استخراج می‌کنیم. در این صورت موضوع و حکم هر دو مستخرج از قرآن است که نام آن را "تفسیر استخراجی" نهاده‌ایم. تفاسیر موضوعی که به توضیح واژگان قرآنی می‌پردازد مثل: خدا در قرآن، حمد در قرآن، ایمان در قرآن، نفاق در قرآن، سیاست در قرآن و... بر این اساس شاید بتوان ده‌ها و صدها موضوع را از قرآن استخراج کرد. واژگان متضاد و مشابه هم همین گونه است مثل ایمان و عمل صالح، دنیا و آخرت و...^۲

تفسیر سیاسی موضوعی استنتاجی

بحث استنتاج قرآن را شهید سیدمحمدباقر صدر(ره) مطرح کرد.^۳ در این دیدگاه قرآن را مانند انسانی زنده، اما خاموش می‌بینیم که فقط با شاگردی کردن در محضرش و سوال کردن از آن، به نطق درآمده، در موضوعات گوناگون که به هدایت انسان مربوط است، جوابگوی ما خواهد بود. بر این اساس یقیناً قرآن باید پاسخگوی پرسشهای سیاسی ما باشد؛ چون سیاست و حکومت یکی از مهمترین عرصه‌های درگیر با هدایت و سعادت بشر است و دین اسلام از همان روزهای آغازین با اجتماع و حکومت همراه بوده است. همچنین حدود نیمی از قرآن- به لحاظ حجم- در مدینه نازل شده و مسائل مربوط به جامعه اسلامی و حکومت دینی در این ده سال مطرح شده است؛ بنابراین کتابی که خود را هادی همگان تا روز قیامت می‌داند، باید بتواند به پرسش‌های اساسی بشر در زمینه سیاست و حکومت و اداره جامعه پاسخ دهد.

در استنتاج سیاسی قرآن، به دو تخصص نیاز است: نخست تخصص در فهم قرآن، مخصوصاً سوره‌های مدنی و آگاهی و تسلط به موضوعات اجتماعی و سپس تخصص در مسائل و اطلاعات سیاسی. چنین فردی می‌تواند با عرضه سوالات خود و طی میسر صحیح در فهم متن قرآن، به جوابهای روشن‌تر و صحیح‌تر برسد.^۴

تفسیر سیاسی موضوعی تنزیلی

یکی از مفسرانی که در ایران این شیوه را پیگیری کرده و قواعد آن را نیز در کتاب‌هایی به مخاطبان آموزش داده بهجت‌پور است. بنا به اعتقاد ایشان برای این که پیام‌های نزول تدریجی را بفهمیم باید ترتیب

۱ - مبانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن، ص 42-43.

۲ - کاظم، قاضی زاده، روش شناسی تفسیر موضوعی، ص 4.

۳ - سیدمحمدباقر، صدر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ص 381.

۴ - مبانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن، صص 43-44.

طبیعی نزول را مطالعه کنیم. از ویژگیهای این سبک تفسیری، رعایت ترتیب نزول سوره‌ها همگام با فرود آنها بر پیامبر اکرم (ص) است.

مدافعان تفسیر تنزیلی بر این باورند که نزول مکرر و مستمر آیات و سوره‌ها، بخش‌هایی از مراد خداوند متعال را آشکار می‌سازد. به عنوان مثال در نگاه حجة الإسلام بهجت‌پور: «افزون بر آن در نظم، تعاقب، پی‌درپی بودن نزول آیات و سوره و ملاحظاتی که میان واقعیت جامعه مخاطبان عصر نزول و اراده‌های خدا وجود دارد، حکمت‌هایی نهفته است که تنها با مطالعه قرآن به این سبک نمایان خواهد شد».

این مفسران بر این باوراند که این نگاه تفسیری، دانش‌هایی افزون بر دیگر سبک‌های تفسیری را فراچنگ پژوهشگران قرار می‌دهد و برخی از ابعاد جدید معنایی قرآن را در اختیار قرآن‌پژوهان می‌گذارد.

مراحل تفسیر تنزیلی موضوعی عبارتست از:

1. شناسایی جدول ترتیب نزولی سوره قرآن کریم بر اساس تحقیقات سابق در تفسیر ترتیبی تنزیلی.
2. شناسایی منطق درونی نخستین سوره و کشف محورهای اصلی و فرعی و جایگاه و ارتباط موضوع مطالعه با آنها.

نکته قابل تأمل در رابطه با فهم چالشهای جامعه زمان پیامبر(ص) این است که باید تفسیر موضوعی را بر اساس ترتیب نزول انجام دهیم؛ این که پیامبر(ص) به عنوان نقش هدایتگری جامعه، در این مسیر با چه چالش‌هایی روبرو بوده است؟ پیامبر(ص) در مسیر تحول مردم با چه مشکلاتی مواجه شده که خداوند ایشان را راهنمایی کرده؟ برای اینکه رابطه بین مفاهیم را که به پیامبر(ص) گفته شده و سیر تحولی را که در پیش بوده بفهمیم، باید ترتیب نزول را بررسی کنیم.

تفسیر سیاسی به مثابه نکات و پیام‌های سیاسی قرآن کریم

چنان که از «تفسیر راهنما» و «تفسیر نور» بر می‌آید، مقصود از پیام، مطلق معنی روشن و مطابقی و الزامات و تضمینات الفاظ قرآن است. طبیعی است برخی از معانی مستقیم و غیر مستقیم آیات در این تفسیر و تفسیرهای دیگر با مباحث سیاسی درگیر می‌شود و می‌توان با پژوهشی در این دو تفسیر، پیام‌های سیاسی آنها را به صورت دسته‌بندی شده و موضوعی از دیگر پیام‌ها تفکیک کرد که در این صورت حاصل کار، پیام‌های سیاسی قرآن خواهد بود؛ البته تشخیص یک پیام تفسیری سیاسی به تعریف ما از سیاست و گستره آن بستگی دارد. با نگاهی دیگر اگر تفسیر سیاسی به معنای گرایش باشد، پیام‌های تفسیری از کل قرآن کریم به تناسب موضوعات مختلف و داستان‌ها به دست خواهد آمد. این پیام‌ها نتیجه این نگرش

خواهد بود؛ به عبارت دیگر نتیجه نگاه سیاسی به کل قرآن، برداشت‌ها و پیام‌ها و آموزه‌های سیاسی خواهد بود. مفسر در پیام‌گیری، آیه را به تکه‌های کوچک‌تر تقسیم می‌کند و در هر جز اندیشه می‌کند، تا نکته‌ها و آموزه‌ها و پیام‌های آیه را در حد توان ذهنی و صفای قلبی خود به دست آورد. در این روش تمرکز بر آیه و تفکر در آن کارساز است، نه مراجعه زیاد به منابع مختلف و پژوهش‌های کتابخانه‌ای؛ البته برای ارزیابی پیام‌های سیاسی و تعیین دلالت و صحت آنها لازم است، پیام مورد نظر با ظواهر آیات دیگر و بداهت عقلی و آرای مشهور مفسران تعارض نداشته باشد.^۱

اقسام پیام‌های سیاسی

پیام روشن: این پیام از خود عبارات و با اندک تأمل در آیه یا مقایسه آیه با قبل و بعد خود در سیاق به دست می‌آید. فهم چنین پیامی از آن همگان است و اختصاصی به مفسران و قرآن پژوهان ندارد.^۲

پیام نیمه روشن: این پیام در سطح اشارات است و از ملازمات آیات و با مقایسه آیات متناسب با موضوع به دست می‌آید. فهم این پیام مخصوص خواص است.^۳

پیام پنهان: این پیام در سطح لطایف است و اخصّ خواص به آن راه دارند. این پیام با تعمق در معانی و اغراض آیات و روابط پیچیده‌تر و پنهان آیات با یکدیگر به دست می‌آید.^۴

امام خمینی(ره) و تفسیر سیاسی قرآن کریم

در رابطه با زندگی با برکت امام خمینی(ره) و درجات علمی و تفسیری ایشان به همین مقدار بسنده می‌کنیم که امام(ره) سالهای سال در حوزه علمیه به تحصیل و تدریس علوم اسلامی اشتغال داشت. ایشان در بستر دانش اسلامی بالید و با قوت علمی توانست در عرصه سیاست نیز نقش آفرین شده و آثار متنوع و فراوانی از خود بر جای بگذارد. اما نکته مهمتر بار علمی و فرهنگی سخنرانی‌ها و پیام‌های علمی ایشان بود، به گونه‌ای که اگر حتی آثار علمی امام نبود، و کسی می‌خواست فقط بر مبنای این سخنرانی‌ها قضاوت کند، به خوبی از جایگاه علمی امام آگاه می‌شد.

۱ - همان، ص 45.

۲ - همان، صص 45-46.

۳ - همان، ص 46.

۴ - همان.

امام خمینی شخصیتی چند بُعدی است که آشنایان گوناگون، چه بسا او را فقط در بُعدی خاص می‌شناسند و از ابعاد دیگر زندگی او مطلع نیستند. به عنوان مثال مردم جهان و سران کشورهای دیگر، امام خمینی را به عنوان یک فرد سیاسی که در موضع و جایگاه دینی بوده می‌شناسند^۱ و ...

امام(ره) علاوه بر تسلط عمیق بر فقه و اصول، تسلطی فوق العاده بر فلسفه، عرفان، تفسیر، اخلاق و کلام اسلامی داشت. در زمینه تفسیر، افزون بر نگارش تفاسیر مستقل مانند تفسیر سوره حمد، توحید و قدر، آیات بسیاری را در سخنرانی‌ها و نگارش کتابهای فقهی، اصولی و عرفانی به کار گرفته و احاطه خود را بر تفسیر نشان داده است.

امام خمینی(ره) در حوزه تفسیر در دو بخش کار کرده است: اول؛ نوشته‌هایی که در مورد برخی سوره‌های قرآن مثل سوره حمد و اخلاص به نگارش درآورده است. دوم؛ برخی از تفسیرهایی مثل ارائه تفسیر سوره حمد در پنج جلسه و یا اینکه ایشان در برخی از سخنرانی‌های خود به تفسیر قرآن اشاره کرده است. حجم آیتی که امام(ره) به تفسیر آنها از منظرهای مختلف پرداخته هزار آیه است و بررسی این حجم از آیات توسط ایشان با مقایسه آثار دیگران، قابل توجه و قابل استناد است.

همچنین امام (ره) اهتمام به قرآن را در وصیت نامه سیاسی-الهی خود ابراز کرده است. به همین دلیل شخصیت امام خمینی بیش از آنکه سیاسی باشد علمی و فرهنگی است. ایشان در این وصیت نامه ابتدا به عنوان پیش درآمد شمه‌ای کوتاه و فشرده درباره قرآن و عترت سخن گفته‌اند. از آنجا که این مقدمه با بحث ما ارتباط تنگاتنگی دارد و توجه ایشان را به قرآن نشان می‌دهد، جا دارد محورهای مهم این وصیت نامه را بازگو کنیم:

الف: سرآغاز سخن درباره موضوع مهوریت قرآن در جامعه اسلامی است، مهوریتی که مهمترین عاملش ستم طاغوتیان در دور نگه داشتن قرآن و عترت از مردم است. ایشان در این باره می‌نویسد:

خودخواهان و طاغوتیان، قرآن کریم را وسیله ای کردند برای حکومت های ضد قرآنی، و مفسران حقیقی و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم(ص) دریافت کرده بودند و ندای: «آئی تارکُ فیکمُ الثقلین» - در گوششان بود؛ با بهانه‌های مختلف و توطئه‌های از پیش تهیه شده، آنان را عقب زده و ... از صحنه خارج کردند^۲.

ب: از دیدگاه ایشان علائم مهوریت قرآن، دور کردن برنامه‌های زندگی‌ساز قرآن از هر دو جنبه حیات انسانی است. زیرا ایشان بزرگترین هدف قرآن را تعیین راه و روش زندگی مادی و معنوی می‌دانند.

^۱ - ایازی، تفسیر امام خمینی ره، ج 1، ص 34.

^۲ - صحیفه امام، ج 21، ص 394.

از دیگر نمونه‌های این علائم خط بطلان کشیدن بر حکومت عدل الهی و به پا کردن نظامهای استبدادی و ستم‌گرانه است. به عقیده ایشان یکی از آرمان‌های این کتاب مقدس، برپایی حکومت عدل الهی است؛ وقتی حکومت ظالمانه برقرار می‌شود، بدین معنی است که دستورات سعادت آفرین قرآن به فراموشی سپرده شده و اساس تعالیم آن نادیده گرفته شده، به عبارت دیگر این امور انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی است. به همین دلیل از نشانه‌های مهوریت قرآن پایه‌گزاری انحراف از دین خدا و کتاب و سنت است. در تحلیل این علامت و پیامدهای آن، ایشان چنین می‌نویسد: «و هرچه این بنیان کج به جلو آمد کجی‌ها و انحراف‌ها افزون شد تا آنجا که قرآن کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان، بلکه عاتله بشری، از مقام شامخ احدیت به کشف تام محمدی(ص) تنزیل کرد که بشریت را به آنچه باید برسند برساند و این ولیده علم‌الاسماء(سوره بقره/31) را از شر شیاطین و طاغوت‌ها رها سازد و جهان را به قسط و عدل رساند.. چنان از صحنه خارج نمودند که گویی «قرآن» نقشی برای هدایت ندارد و کار به جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومت‌های جائر و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان وسیله‌ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد¹».

ج: از امور تأسف بار دیگر درباره قرآن، استفاده‌های سطحی از قرآن و دلخوش کردن مردم به اموری است که هم قرآن در نظرشان امر مقدسی باشد و جایگاهی عظیم و رفیع داشته باشد و هم خاصیتی نداشته و برای حکومت‌های ستمگر خطر آفرین نباشد. زیرا قرآنی که مردم با محتوای آن آشنا نباشند و در متن زندگی آنها نباشد و راهنمای عملی قرار نگیرد، برای حکومت‌ها خطر آفرین نیست. حضرت امام در این زمینه می‌گوید:

و مع الأسف به دست دشمنان توطئه‌گر و دوستان جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت ساز، نقشی جز گورستان‌ها و مجالس مردگان نداشت و ندارد².

این یک سویه انحراف و دل مشغول کردن مردم به ظاهر قرآن و انحراف از اساس هدف نزول قرآن بود، اما سویه دیگر این انحراف که در وصیت نامه منعکس است، آنجایی است که قرآن وسیله تعارضات کلامی قرار گیرد و عامل اختلاف میان مسلمانان گردد در حالی که خود قرآن به طور مرتب دعوت به اتحاد و اتسام به حبل الله می‌کند، آن را ابزار نزاع، کینه و جنگ می‌کنند و هر گروه و مذهب و فرقه‌ای برای تثبیت عقاید خود و تحقیر و مذمت دیگران از آن استفاده می‌کند. بدین روی ایشان می‌نویسند: «مع الأسف... آنکه باید وسیله جمع مسلمانان و بشیریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا به کلی از

¹ - همان، ج 21، ص 395.

² - همان، ج 21، ص 395.

صحنه خارج شد^۱». به همین علت ایشان در این مقدمه توصیه می‌کند به قرآن و اهل بیت پیامبر(ص) بازگردند و سعادت و خوشبختی و عزت مسلمین را در شناخت تعالیم و عمل به آن بجویند. ایشان همچنین مسأله مهجور بودن قرآن را در این معرفی می‌کند که فقط به ظواهر عمل می‌شود، اذان در گلدسته‌ها گفته می‌شود و نماز بر پا می‌شود، اما احکام سیاسی قرآن مورد بی‌اعتنایی واقع می‌شود؛ و تا وقتی که به این ابعاد توجه نشود قرآن از مهجور بودن بیرون نمی‌رود. ایشان یکی از این احکام سیاسی را چنگ زدن به ریسمان الهی و دوری جستن از تفرقه و اختلاف معرفی می‌کند و تصریح می‌کند اگر به احکام مترقی سیاسی عمل شود سروری عالم نصیب مسلمانان می‌گردد^۲.

ایشان در جای دیگر می‌گویند: اکثر آیات قرآن را کنار گذاشته‌ایم. قرآن را می‌خوانیم و می‌بوسیم و می‌گذاریم کنار، اما آیتی را که مربوط به جامعه و سیاست و جنگ است فراموش کرده، بلکه به فراموشی سپرده‌ایم^۳. در جای دیگر ایشان مشکل مهجور بودن را در عدم فهم قرآن می‌داند و راه بازگشت را فهم قرآن می‌داند^۴. یا از آنجا که بخشی از مهجور بودن مربوط به مسائل اجتماعی و سیاسی قرآن است، ایشان طرح توجه به آیات اجتماعی و سیاسی را ارائه می‌دهد^۵.

جالب اینکه امام خمینی مانند سیدجمال مهجور بودن قرآن را نیز ناشی از رفتار دولت‌های اسلامی و مخالفت‌های آنان می‌داند^۶ و استفاده ابزاری حکومت‌های فاسد مسلمانان، از قرآن را عاملی می‌داند که آنها برای اقامه جور و فساد خود و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی ارائه می‌دهند^۷. در اینجا است که یکی از راه‌های بازگشت به قرآن اصلاح ساختار حکومت‌ها و تغییر آنان می‌شود. ایشان در این باره می‌نویسند:

چرا باید دولت‌های اسلامی با داشتن قریب یک میلیارد جمعیت و در دست داشتن ذخیره‌های زیرزمینی خصوصاً موج‌های نفت که رگ حیات ابرقدرت‌هاست و برخورداری از تعلیمات حیات بخش قرآن کریم... اکنون به واسطه کج فهمی‌ها و غرض ورزی‌ها و تبلیغات وسیع ابرقدرت‌ها کار را به آنجا بکشاند که دخالت در امور سیاسی و اجتماعی که مورد احتیاج مبرم و از اهم امور مسلمین است... جرم شناخته شود^۸.

۱ - همان، ج 21، ص 395.

۲ - همان، ج 16، ص 39.

۳ - همان، ج 15، ص 11.

۴ - همان، ج 7، ص 393.

۵ - همان، ج 15، ص 11.

۶ - همان، ج 16، ص 34.

۷ - همان، ج 16، ص 34.

۸ - همان، ج 15، ص 290.

برای شناخت موضع امام درباره قرآن، کاوش در نگرش امام نسبت به اهداف نزول این کتاب بسیار مهم و روشنگر است. وقتی کسی درباره کارکرد وسیله‌ای سخن می‌گوید، یا خاصیت و تأثیر آن را آشکار می‌سازد در حقیقت موضع و موقعیت آن را بیان می‌کند و در مرتبه بعد تجربه‌ها و استفاده‌های خود را شرح می‌دهد.

نکته دیگر این که: امام بارها جهتگیری تفسیر را بر مبنای بیان هدف و مقصد قرآن کریم می‌داند و با صراحت تأکید می‌کند که به عقیده او، تفسیر کتاب آن است که مقاصد آن کتاب را شرح دهد.^۱ بدین روی طرح اهداف قرآن، بیانگر جایگاه سترگ قرآن در اندیشه امام خمینی است. ایشان در جایی می‌فرمایند:

هیچ جا بهتر از قرآن نیست، هیچ مکتبی بالاتر از قرآن نیست. این قرآن است که هدایت می‌کند ما را به مقاصد عالی‌های که در باطن ذاتمان توجه به او هست و خودمان نمی‌دانیم.^۲

از سوی دیگر مقاصد قرآن چندگانه و متعدد است. این گونه نیست که تنها به یک مقصد بسنده کند. قرآن در عین حالی که یک کتاب معنوی عرفانی است، و در عین حال که تهذیب نفس می‌کند، استدلال هم می‌کند، حکومت هم می‌کند و وحدت و قتال را هم سفارش می‌کند و این نکته از خصوصیات این کتاب آسمانی است که هم باب معرفت را باز کرده و هم باب مادیات را و هم اتصال مادیات به معنویات را.^۳

همچنین در نگاه امام خمینی (ره) مقاصد دارای مراتب است، در تحلیل دیگری که ایشان از بیان مقاصد ارائه می‌کند این است که قرآن مجید افزون بر اینکه چندگانه است، دارای مراتب و درجات است. یک سفره گسترده‌ای است که همه از آن استفاده می‌کنند؛ منتهی هر کس به وضعی استفاده می‌کند، و هر یک از طبقات علما بر اساس مسلک خاصی، فلاسفه روی مسائل فلسفی اسلام، عرفا روی مسائل عرفانی، فقها روی مسائل فقهی و سیاسیون روی مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام تأکید می‌کنند.

به همین دلیل ایشان در مواردی بر این درجه بندی تأکید می‌کند و برخی از آنها را مانند تحول معنوی و تحول عرفانی فوق همه مسائل می‌داند^۴، هر چند این نکته را یادآور می‌شود که بعد حقیقی بین عاشق و معشوق، آن سری است که بین خدا و پیامبر اکرم (ص) است و مطلبی نیست که دیگران بتوانند بفهمند.^۵

با بیان این مطالب به این نتیجه می‌رسیم که امام خمینی (ره) در سراسر زندگی با برکت خویش به قرآن و مقاصد و اهداف نزول آن و همچنین جنبه‌های تفسیری این کتاب آسمانی اهتمام ورزیده و علاقه فراوانی

۱ - آداب الصلوات، ص 192.

۲ - صحیفه امام، ج 12، ص 511.

۳ - همان، ج 17، ص 434.

۴ - همان، ج 19، ص 112-115.

۵ - همان، ج 18، ص 262.

را نشان داده‌اند، خصوصاً به جنبه‌های اجتماعی و سیاسی قرآن که به نظر ایشان با توطئه‌های مستکبران و عدم آگاهی و اهتمام دوستان مغفول و مهجور مانده است.

روش تفسیری امام خمینی(ره) در قرآن کریم

دانش تفسیر از صدر اسلام شروع شد و خاستگاه آن وحی الهی بود که پیامبر(ص) را مفسر قرآن معرفی کرد. پیامبر(ص) در تفسیر قرآن گاهی از خود قرآن کمک می‌گرفت و از اینجا روش تفسیر قرآن به قرآن به وجود آمد. سپس اهل بیت(ع) و صحابه به تفسیر قرآن پرداختند، آنان علاوه بر استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن، از روش تفسیر روایی نیز استفاده می‌کردند؛ یعنی گاهی با استناد به روایات پیامبر(ص) به تفسیر آیات قرآن می‌پرداختند. در این میان گروهی نیز بر اساس خواسته‌های شخصی یا گروهی و بدون ضوابط و قرائن به تفسیر و تأویل قرآن پرداختند و روش تفسیر به رأی پدید آمد که در احادیث پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) به شدت با این روش برخورد شد و آن را ممنوع اعلام کردند. کم کم از قرن دوم به بعد با ترجمه آثار و نفوذ افکار و علوم یونانیان و ایرانیان در بین مسلمانان، روشها و گرایش‌های دیگری نیز پدید آمد. از اینجا بود که مباحث‌های کلامی و فلسفی پیدا شد و کم کم گرایش‌های تفسیری کلامی شکل گرفت و هر کدام از فرقه‌های اسلامی مانند اشاعره، معتزله و... آیات قرآن را بر اساس دیدگاهها و عقاید خود تفسیر می‌کردند. در همین مسیر، اختلافات مذهبی که از قرن اول شروع شده بود، با اختلافات مذاهب فقهی همراه شد و در تفسیر آیات فقهی قرآن تأثیر گذاشت. سپس عرفا و متصوفه نیز گرایش‌های خاص تفسیری پیدا کردند و روش تفسیر اشاری از قرن سوم به بعد رشد کرد.

صاحب‌نظران در مورد روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، تقسیمات متعددی ارائه کرده‌اند. اما در اینجا ما روش‌های تفسیری را بر اساس منابع مورد استفاده در تفسیر به شش روش قرآن به قرآن، روایی، علمی، اشاری (باطنی، عرفانی و...)، عقلی، تفسیر به رأی (باطل و غیر صحیح)، روش تفسیر جامع اجتهادی (که شامل همه روشهای تفسیری غیر از تفسیر به رأی است) تقسیم می‌کنیم. در اینجا تلاش ما بر این است که بر اساس عملکرد مفسر (با توجه به تخصص، ذوق و علاقه) جایگاه روش و گرایش تفسیری امام خمینی(ره) به خوبی روشن شود. بنابراین در این باره باید گفت که، با بررسی روش تفسیری امام خمینی(ره) به این نتیجه می‌رسیم که ایشان از روش تفسیر، قرآن به قرآن، روایی، عقلی، اشاری (باطنی)، علمی و اجتهادی بهره برده است و مثال‌های متعددی از این روش‌ها را ارائه می‌کند. امام خمینی(ره) از روش تفسیر اجتهادی جامع در تفسیر قرآن، یعنی از روش‌های صحیح تفسیر قرآن به قرآن، قرآن به روایت، اشاری (باطنی و عرفانی) و عقلی و علمی استفاده کرده و از روش تفسیر به رأی پرهیز کرده است. از این رو امام خمینی(ره) به خاطر پرهیز از تفسیر به رأی و حتی برای احتیاط در تفسیر سوره حمد تصریح می‌کنند: «مطالبی که من در تفسیر می‌گویم به خدا نسبت نمی‌دهم، بلکه به صورت احتمالی می‌گویم». ایشان تفسیر به رأی را ممنوع می‌شمارد و در ابتدای سوره حمد، در مورد آن هشدار می‌دهد و می‌فرماید:

«...در این اواخر هم یک اشخاصی پیدا شده‌اند که اصلاً اهل تفسیر نیستند، اینها خواسته‌اند مقاصدی را که خودشان دارند به قرآن و به سنت نسبت بدهند. حتی یک طایفه‌ای از چپی‌ها و کمونیست‌ها هم به قرآن تمسک می‌کنند، برای همان مقصدی که دارند اینها اصلاً به تفسیر کار ندارند، به قرآن هم کار ندارند، اینها مقصد خودشان را می‌خواهند به خورد جوانهای ما بدهند، به اسم اینکه این اسلام است... نباید جوانهای ما به آن تفاسیر اعتنا کنند. و از چیزهایی که ممنوع است در اسلام تفسیر به رأی است که هر کسی آرای خودش را تطبیق کند بر آیاتی از قرآن، و قرآن را به آن رأی خودش تفسیر و تأویل کند».^۱

ایشان همچنین از گرایش‌های عرفانی، اخلاقی، فلسفی و اجتماعی استفاده کرده و جهت‌گیری سیاسی، تقریبی و جهادی نیز داشته است. البته امام خمینی(ره) در برداشت خود از تفسیر روایی (که آن را منحصر به روایات پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) می‌داند) و در مبحث تفسیر به رأی (که آن را احتمالاً منحصر در احکام می‌داند) و مرز آن با تفسیر عقلی راه خود را از راه برخی دانشمندان تفسیر جدا کرده است.^۲

منابع استخراج تفسیر سیاسی قرآن کریم از منظر امام خمینی(ره)

از آنجایی که حضرت امام تفسیری را به این صورت که منظور ما در این تحقیق است-یعنی تفسیر سیاسی قرآن- ارائه نداده‌اند بنابراین در این باره باید گفت که ما با عرضه کردن سوالات مهم علوم سیاسی به آثار ایشان و جستجو در این آثار آیاتی را که ایشان تفسیر کرده بودند را جمع آوری کرده‌ایم. برای توضیح بیشتر در این زمینه باید گفت که عمده این مباحث از کتبی مثل صحیفه امام(ره)-که شامل سخنرانی‌ها و نامه‌ها و پیام‌های ایشان است- کتاب اسرار الصلوة، آداب الصوأة، تفسیر سوره حمد، تقریرات فلسفه، ولایت فقیه، شرح دعای سحر، شرح چهل حدیث، شرح حدیث جنود عقل و جهل، کتاب البیع، وصیت‌نامه، کتاب الطهارة و دیگر کتب ایشان است که به مناسبت‌های مختلف آیاتی را در این کتب تفسیر کرده‌اند.

الگوی تحلیلی پایان‌نامه استخراج دیدگاه‌های تفسیر سیاسی امام خمینی(ره)

برای بیان روش استخراج دیدگاه‌های تفسیری سیاسی امام خمینی(ره) باید گفت که بررسی موضوعات گوناگون از منظر قرآن مجید به دو طریق می‌تواند صورت پذیرد:

1) در شکل اول: آیات مرتبط با موضوع مورد نظر به ترتیب سوره مصحف شریف مورد بررسی قرار می‌گیرند. مثل این که در باب فضیلت علم و دانش، آیات مبارک مرتبط با این موضوع را از ابتدای سوره مبارکه فاتحه تا سوره ناس از نظر می‌گذرانیم.

^۱ - امام خمینی(ره)، تفسیر سوره حمد، صص 93-94.

^۲ - رضایی‌اصفهانی، محمدعلی، روش شناسی تفسیری امام خمینی(ره) و جایگاه آن در بین روشهای تفسیری فریقین، نشریه طلوع، شماره 18، تابستان 1385.

(2) در روش دوم: ترتیب سوالات و مباحث بحث از خارج قرآن کریم اتخاذ می‌گردد و بعد آیات مرتبط با ریز موضوعات مورد نظر بدون توجه به محل وقوع آنها در قرآن، انتخاب و بررسی می‌شوند.

نوع بررسی آیات سیاسی قرآن و روش تفسیری ما در این نوشتار با توجه به -روش گلن تیندر در طرح پرسش‌های سیاسی مطرح بوده- و بر اساس شکل دوم است و سیر بحث، ترتیب و گزینش آیات بر اساس بحث‌های علوم سیاسی است، زیرا:

اول: تعداد و جایگاه آیات سیاسی قرآن منقح و مشخصی نیستند تا بتوان بر اساس ترتیب سور آنها را بررسی کرد.

دوم: آیاتی را که امام خمینی(ره) نیز تفسیر کرده‌اند به طور منظم و منقح نیست تا با ترتیب به بیان آنها پردازیم.

سوم: گذشته از آن که آیات بسیاری وجود دارد که در نظر یک فرد یا جریان آیات سیاسی تلقی می‌شود و در اندیشه گروهی دیگر خیر.

بنابراین یادکردنی است که در توضیح آیات سیاسی قرآن، تنها آیاتی که به طور مستقیم با مسائل سیاسی مرتبطند بررسی نمی‌شوند؛ بلکه لازمه تفسیر آیات سیاسی، بهره‌گیری از آیات دیگری است که هرچند به طور مستقیم با مسائل سیاسی مرتبط نیستند، اما در فهم اندیشه سیاسی اسلام بسیار مؤثرند، از این رو بحث کامل درباره مباحث سیاسی باید با بهره‌گیری از همه آیات مرتبط با موضوع صورت پذیرد. پس از آنجایی که آیات سیاسی قرآن واضح و شفاف نیستند، چه بسا یک آیه شریفه را از جهات گوناگون بتوان تفسیر کرد، گرچه در ظاهر هیچ ارتباطی با مسائل سیاسی نداشته باشد. ادعای ما این نیست که در این نوشتار تمام آیات سیاسی قرآن که در آثار امام خمینی(ره) وجود دارد، بیان گردیده است؛ بلکه دقت نظر دوباره همراه ذوق و سلیقه در آیات کریمه، می‌تواند برداشت سیاسی از آیاتی دیگر را به دست دهد.

نتیجه گیری

از زمانی که قرآن کریم به عنوان معجزه آخرین پیامبر اسلام(ص) در برابر بشریت نمایان شد و با بیان مهمترین نیازهای وی خود را کامل‌ترین و روشن‌ترین برنامه زندگی انسان در همه ابعاد زندگی معرفتی کرد، یکی از والاترین دغدغه‌های معتقدین به این کتاب آسمانی استخراج این برنامه‌ها از دل آیات الهی بوده است. بدین سان با مراجعه بشر به این کتاب مقدس و مطالبه برنامه زندگی، علم تفسیر قرآن پایه گذاری شد و علما به دنبال تفسیر آیات الهی و بیان منظور و مقصود خداوند و سبب و شأن نزول آیات در این کتاب

عظیم بودند. بنابراین در دنیای اسلام از قرآن کریم تفاسیر متعددی بر اساس نوع نگرش و مبانی مفسران اسلامی ارائه گردیده و هر کدام از آنها به نوعی در نوبه خود چراغهایی در این مسیر پر تلاطم روشن کرده‌اند. حضرت امام خمینی(ره) رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی نیز حرکت انقلابی خود را با پشتوانه قرآن کریم به انجام رساندند و در این مسیر با توجه به تفاسیری سیاسی که از آیات الهی ارائه دادند به این حرکت عظیم مشروعیتی الهی بخشیدند.

بنابراین با توجه به مطالبی که در این فصل مطرح شد نتیجه‌گیری آن به این صورت خواهد شد:

- اندیشمندان علوم سیاسی، درباره چستی سیاست برداشتی یگانه ندارند. به نظر می‌آید سبب اساسی این امر اختلاف نظر در مبانی معرفت شناختی و ارزش شناختی است. بنابراین هر اندیشمندی از زاویه نگرش به مبانی و پیش فرض‌های خویش و همچنین از منظر دغدغه‌های حیات سیاسی خود بدان نگرسته است.
- درباره مفهوم سیاست نظرهای مختلفی ارائه شده است اما در کل می‌توانیم همه تعاریف ارائه شده را در چارچوب دو پارادایم «قدرت محوری» و «هدایت محوری» دسته‌بندی کنیم.
- تعاریفی که اندیشمندان غربی از سیاست ارائه کرده‌اند بر اساس «قدرت محوری» بوده است. اما اندیشمندان اسلامی به طور معمول - با رویکرد غایتگرایانه، سیاست را به کشورداری (تدبیر ملک) و استصلاح امت تعریف کرده‌اند. بنابراین تعاریفی که اندیشمندان اسلامی از سیاست ارائه داده‌اند «هدایت محور» بوده و اصلاح و هدایت جامعه را در نظر دارد.
- امام خمینی(ره) در تعریف سیاست به بُعد «هدایت محوری» آن توجه کرده و سیاست را چنین معرفی می‌کند: «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد، و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت هست، صلاح افراد هست و این مختص به انبیاست. دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند. این مختص به انبیا و اولیاست و به تبع آنها به علمای بیدار اسلام». بنابراین بر اساس نظام فکری و دیدگاه امام(ره) در رابطه با سیاست، باید گفت که در اعتقاد ایشان سیاستی به نفع بشریت است که عامل و مجری آن انبیاء الهی باشند.
- درباره تعریف اصطلاحی تفسیر از سوی محققان و اندیشمندان اسلامی تعاریف بسیاری وارد شده است به عنوان مثال: تفسیر، بیان معانی آیات قرآن و کشف مقصود و مدلول آیات است.
- امام خمینی(ره) با توجه به معنای بسیاری از آیات قرآن در اینجا نیز به بُعد هدایتگری قرآن کریم اشاره کرده و در تعریف تفسیر می‌فرماید: به طور کلی، معنی تفسیر کتاب آن است که شرح مقاصد آن کتاب را بنماید و نظر مهم به آن، بیان منظور صاحب کتاب باشد. بنابراین مفسر وقتی مقصد از

- نزول را به ما بفهماند، مفسر است، نه سبب نزول به طوری که در تفاسیر وارد است. بنابراین در دیدگاه امام خمینی(ره) تفسیر، به اغراض و مقاصد قرآن و سوره و آیات و موضوعات ختم می‌شود.
- امام خمینی(ره) در میان گرایش‌های تفسیری به گرایش عرفانی، فلسفی، اخلاقی و اجتماعی توجه بیشتری نشان داده است، همان طور که در تفسیر خویش جهت‌گیری سیاسی، جهادی و تقریبی را نمایان ساخته است. ایشان در أسلوب‌های تفسیری به تفسیر ترتیبی در تفسیر سوره حمد روی آورده و به صورت پراکنده تفسیرهای موضوعی کوتاهی در ضمن مباحث بیان کرده‌اند.
 - تفسیر سیاسی قرآن یک پدیده نوپیدا و جدید است و در چالش سنت و مدرنیته شکل گرفته است. البته برخی نیز تفسیر سیاسی قرآن را به عنوان روش و منهج معرفی می‌کنند؛ یکی از مناهج تفسیری قرآن کریم، تفسیر سیاسی-اجتماعی است.
 - تفسیر سیاسی قرآن عنوان مشککی است که دارای مراتب یا اقسام مختلفی است. این مراتب و اقسام عبارتند از: تفسیر سیاسی به مثابه گرایش تفسیری در تفسیر ترتیبی، تفسیر سیاسی به مثابه تفسیر موضوعی(که این نوع از تفسیر خود به تفسیر سیاسی موضوعی استنتاجی، استخراجی و تزیلی تقسیم می‌شود) و تفسیر سیاسی به مثابه نکات و پیام‌های سیاسی قرآن کریم(پیام‌های سیاسی قرآن به پیام‌های روشن، نیمه روشن و پنهان قابل تقسیم می‌باشد).
 - امام خمینی(ره) در حوزه تفسیر در دو بخش کار کرده است: اول؛ نوشته‌هایی که در مورد برخی سوره‌های قرآن مثل سوره حمد و اخلاص به نگارش درآورده است. دوم؛ برخی از تفسیرهایی مثل ارائه تفسیر سوره حمد در پنج جلسه و یا اینکه ایشان در برخی از سخنرانی‌های خود به تفسیر قرآن اشاره کرده است. از آنجایی که حضرت امام تفسیری را به این صورت که منظور ما در این تحقیق است-یعنی تفسیر سیاسی قرآن- ارائه نداده‌اند بنابراین در این باره باید گفت که ما با عرضه کردن سوالات مهم علوم سیاسی به آثار ایشان و جستجو در این آثار آیتی را که ایشان تفسیر کرده بودند را جمع آوری کرده‌ایم.